

## بررسی رابطه علی میان حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ سود تسهیلات بانکی با تورم

غلام علی احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

نوشته حاضر به بررسی رابطه علی میان حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ تسهیلات بانکی و تورم طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ در ایران می‌پردازد. نتایج بدست آمده پس از بررسی‌های تکنیکی اقتصاد سنجی بر بی معنا بودن ضرایب متغیرهای وابسته مانند حجم پول در گردش و سرعت گردش پول نسبت به متغیر مستقل تورم، گویای این واقعیت است که هیچ رابطه علی میان تورم و متغیرهای حجم پول و سرعت گردش پول در جامعه ایران طی این سال‌ها وجود نداشته است؛ یعنی تورم در این بازه زمانی معلول عوامل دیگری غیر از دو متغیر پیش گفته می‌باشد؛ که عبارت است از نرخ سود تسهیلات بانکی. به عبارت دیگر، تورم طی این سال‌ها معلول نرخ سود تسهیلات بانکی بوده و رابطه علی میان تورم و نرخ سود بانکی وجود داشته است.

**واژگان کلیدی:** حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، تسهیلات بانکی، تورم و روش ols.

---

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه دکتری علوم اقتصادی، جامعه المصطفی العالمیه. Ahmadiali1385@gmail.com

## مقدمه

تورم یکی از معضله‌های جدی در اقتصاد است که خود معلول عوامل مختلف می‌باشد. وجود تورم در یک جامعه منجر به بهبود شرایط افراد با درآمد بالا و کاهش درآمد و قدرت خرید افراد کم درآمد و فقیر می‌شود. از آنجا که بیشتر افراد یک جامعه دارای درآمد متوسط و یا درآمد اندک هستند؛ لذا تورم یک پدیده‌ی نامیمون در اقتصاد شناخته می‌شود و اقتصاددانان هر جامعه تلاش دارند در جهت مقابله با آن، راهکارهای قابلیت اجرا و متناسب با شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه ارائه نمایند. بدون شک شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر جامعه ایجاب می‌کند که یک راهکار در جهت کاهش تورم و یا محو آن نمی‌تواند به عنوان نسخه‌ی عمومی و تاثیرگذار برای تمامی جوامع بشری باشد. هم‌چنین عوامل پیدایش تورم در هر جامعه نیز متفاوت است؛ بنابراین، تورم در جامعه ایران معلول یکی از عوامل ذکر شده؛ یعنی نرخ سود تسهیلات بانکی است.

## فرضیه تحقیق

تحقیق انجام شده دارای فرضیه زیر است:

- هیچ رابطه علی میان سرعت گردش پول و حجم گردش پول با تورم نیست؛ یعنی تورم معلول هیچکدام از عوامل ذکر شده نمی‌باشد.
- تورم طی سال‌های ۱۳۸۰-۹۰ در جامعه ایران معلول نرخ سود تسهیلات بانکی بوده است.
- نرخ تسهیلات بانکی با حجم پول در گردش دارای ارتباط و با سرعت گردش پول بی‌ارتباط است.

## هدف و ضرورت تحقیق

از تورم یک پدیده خطرناک در اقتصاد نام برده می‌شود؛ لذا درک عوامل آن بدون شک از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا اقتصاد دارای تورم یک اقتصاد

بیمار تلقی شده و درمان آن برمبنای شناخت و تحلیل درست از عوامل آن خواهد بود. به طور معمول عوامل ذکر شده در ایجاد تورم مورد تحلیل قرار می‌گیرند اما یافته‌های این تحقیق به روشنی نشان می‌دهد که منشا تورم یکی از عوامل پیش گفته در جامعه ایران است. بنابراین هدف و ضرورت تحقیق ایجاب می‌کند که، عوامل متعارف در شکل‌گیری تورم بررسی و نتایج آن بر رد و یا قبول فرضیه مورد نظر ذکر شود.

### سابقه تحقیق

تحقیق با موضوع پیش گفته تا جایی که نگارنده اطلاع دارد انجام نشده است اما راجع به اصل تورم و منشا آن مباحث زیادی صورت گرفته. دکتر نادر مهرگان با همکاری‌اش (۱۳۸۵) تحت عنوان «بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و تورم» به این نتیجه می‌رسند:

از یک سو، طبق تئوری‌های اقتصادی، افزایش نرخ تورم باعث افزایش نرخ بهره خواهد شد و از سوی دیگر، متخصصان اقتصاد اسلامی در ایران بر این باورند که، افزایش نرخ بهره به افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه منجر به تورم می‌شود. نتایج بدست آمده مؤید دیدگاه متخصصان اقتصاد اسلامی در ایران است؛ یعنی نرخ بهره منشأ و علت پیدایش تورم در جامعه ایران می‌باشد. به عبارت دیگر، با نگاه آماری رابطه علی یک طرفه از جانب نرخ بهره به طرف نرخ تورم وجود دارد. اکبر کمیجانی و همکارش تحت عنوان «آزمون رابطه بلند مدت بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم» چنین نتیجه می‌گیرند: تغییرات در نرخ سود اسمی را می‌توان با تغییرات نرخ تورم در بلند در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توضیح داد؛ لذا در اقتصاد ایران نیز چنین برآورد امکان پذیر است. بررسی‌های دکتر منصور زراء نژاد و همکارانش تحت عنوان «تخمین تابع سرعت گردش پول در اقتصاد ایران» بیانگر این مساله است: سرعت گردش پول و سرعت

گردش نقدینگی با نرخ بهره رابطه مثبت و با نرخ تورم انتظاری بی‌ارتباط است.

## روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است. ابتدا به توضیحات و بررسی حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ سود تسهیلات بانکی و تورم می‌پردازیم و سپس با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و نرم افزارهای excel، eviews به استخراج نتایج و بررسی رابطه علی میان داده‌ها پرداخته می‌شود.

## مفاهیم پولی

مفاهیم پولی به ما کمک می‌کند تا با ترکیبات مختلف پول در اقتصاد آشنا شده و از طریق آن به نتایج مورد نظر دست یابیم:

### ۱- حجم پول در گردش

به صورت کلی حجم پول در گردش را به اسکناس و مسکوک نزد مردم و سپرده‌های مردم نزد سیستم بانکی تعریف کردند: سپرده‌های دیداری مردم نزد بانک‌ها + اسکناس و مسکوک نزد مردم = حجم پول در گردش

$$M=CP+DP \text{ Control Plan (CP) + sight Deposit (DP)}$$

### ۲- درجه نقدینگی Liquidity

درجه نقدینگی به نقش پول در اقتصاد مرتبط می‌شود؛ یعنی میزان پول در گردش. به عنوان مثال اسکناس، مسکوک و سپرده‌های دیداری مردم نزد بانک‌ها از درجه نقدینگی بالایی برخوردار می‌باشند اما سپرده‌های پس‌انداز و مدت دار مردم نزد بانک‌ها از درجه نقدینگی پایین‌تری برخوردارند لذا به این سپرده‌ها شبه پول Near Money گفته می‌شود.

### ۳- سرعت گردش پول

پول معمولاً در جریان مبادلات بازرگانی همواره در گردش است و از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود. منظور از سرعت گردش پول تعداد دفعاتی است که

یک واحد پول مثلا ۱۰۰ تومان در طول یک سال مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای محاسبه سرعت گردش پول (V) کافی است تولید ناخالص ملی (GNP) را بر حجم پول در گردش (M) تقسیم کنیم.

$$V = \frac{GNP}{M}$$

### عوامل مؤثر در سرعت گردش پول

عوامل تاثیر گذار بر سرعت گردش عبارتند از:

۱- شرایط اقتصادی: سیکل‌های اقتصادی در سرعت گردش پول تاثیر می‌گذارند؛ یعنی در زمان رونق اقتصادی که تقاضا برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد سرعت گردش پول نیز افزایشی است. در دوران رکود اقتصادی که تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند سرعت گردش پول نیز کاهش می‌یابد.

۲- ارزش پول: در شرایط تورمی، مرتب ارزش پول کاهش می‌یابد و مردم از نگهداری پول خودداری کرده و به محض دریافت پول اقدام به خرج آن می‌کنند. بنابراین تورم سرعت گردش پول را افزایش می‌دهد.

۳- تسهیلات بانکی: در صورتی که سیستم بانکی شرایط اعطای وام و اعتبار را به عموم بهبود بخشد و این امر سبب افزایش سرمایه‌گذاری در سطح جامعه شود، سرعت گردش پول افزایش می‌یابد.

۴- حجم داد و ستد: افزایش (کاهش) معاملات تجاری سرعت گردش پول را افزایش (کاهش) می‌دهد.

### ۴- پایه پولی (Money Base)

پایه پولی از حاصل جمع اسکناس و مسکوک نزد مردم (CP)، اسکناس و مسکوک نزد سیستم بانکی (DP) و سپرده‌های سیستم بانکی نزد بانک مرکزی (LC) بدست می‌آید.  $B = CP + DP + LC$

از آن‌جا که بانک مرکزی تنها موسسه پولی می‌باشد که چاپ و نشر اسکناس را

در انحصار خود دارد، بنابراین می‌توان پایه پولی را بدهی بانک مرکزی به بخش‌های مختلف اقتصاد اعم از مردم و سیستم بانکی تعریف کرد.

کل ذخایر بانکها + اسکناس و مسکوک نزد مردم = پایه پولی  $B=CP+R$

## تورم

تورم یعنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره معین مثلاً یکسال نسبت به دوره یا سال پیش که مترادف است با کاهش ارزش پول.

## انواع تورم

### ۱- تورم پولی (Monetary inflation)

افزایش نامتعادل حجم پول در گردش بدون افزایش توان ظرفیت تولیدی کشور راکه بدنبال آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها اجتناب ناپذیر می‌گردد تورم پولی می‌نامند. یکی از ریشه‌های تورمی در جامعه می‌تواند سیاست‌های انبساط پولی بانک مرکزی باشد که در پی آن حجم پول در دست مردم افزایش می‌یابد بدون آن‌که محصولات مورد تقاضای مردم افزایش یابد؛ یعنی عدم تعادل بین دو جریان بازار پول و بازار محصول.

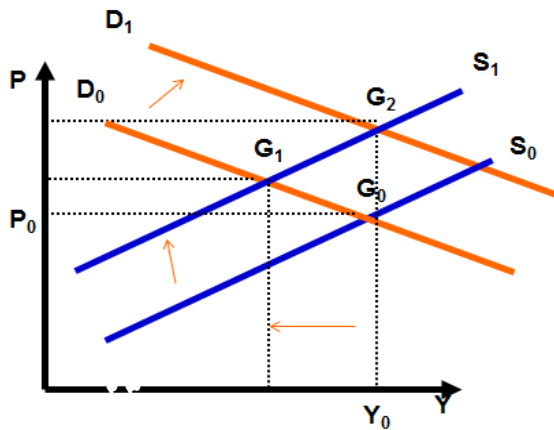
### ۲- تورم ناشی از کشش تقاضا (Demand – Pull Inflation)

تورم ناشی از کشش تقاضا زمانی ظاهر می‌شود که بخش تولید و عرضه در اقتصاد نتواند افزایش تقاضا برای کالا و خدمات را پوشش دهد و از آن‌جا که به اندازه تقاضای موجود در بازار تولید صورت نمی‌گیرد تعادل بین عرضه و تقاضا به ناچار از طریق مکانیسم قیمت صورت می‌پذیرد و منجر به افزایش قیمت و تورم می‌شود.

### ۳- تورم ناشی از فشار هزینه (Cost- Push Inflation)

تورم ناشی از فشار هزینه را در قالب نمودار زیر توضیح می‌دهیم: افزایش هزینه‌های تولید برای بنگاه‌های اقتصادی که ناشی از افزایش دسمتزدها و یا افزایش

قیمت مواد اولیه (کالاهای وارداتی) می‌باشد، باعث انتقال منحنی عرضه به سمت چپ می‌شود. این انتقال بیانگر دو نکته است: ۱- افزایش سطح قیمت‌ها ۲- کاهش درآمد ملی. با افزایش قیمت‌ها، دستمزدها افزایش یافته، منحنی تقاضا به سمت راست منتقل و درآمد ملی به حالت اولیه خود بر می‌گردد؛ اما قیمت‌ها دوباره بالا رفته و تورم ناشی از فشار هزینه را بر اقتصاد تحمیل می‌کند.

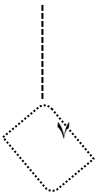


### آثار تورم

تحلیل آثار تورم با توجه به عوامل زیر صورت می‌گیرد:

#### ۱- تورم و اشتغال

یک باور بسیار معروف اقتصادی که در سال ۱۹۵۷م توسط فیلیس اقتصاددان انگلیسی بیان شد این است که: اگر مقامات اقتصادی کشور، مایل به افزایش سطح اشتغال باشند، افزایش نرخ تورم اجتناب ناپذیر خواهد بود. فیلیس اقتصاددان انگلیسی پس از تحقیقات خود در مورد تورم و بیکاری به این نتیجه رسید که هرچه نرخ بیکاری کمتر باشد نرخ تورم به تناسب افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین اهداف اقتصادی «اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها» تضاد وجود دارد. منحنی فیلیس در نمودار زیر نشان داده شده است و بیانگر رابطه عکس میان نرخ تورم و بیکاری می‌باشد.





## ۲- تورم و تخصیص منابع اقتصادی

تورم می‌تواند بر روند استفاده از منابع اقتصادی (نیروی کار و سرمایه) تاثیر منفی بگذارد. در نتیجه منابع مالی و سرمایه‌گذاری‌ها نه در بخش‌های مولد و مفید کشور بلکه برای مقاصد سوداگری و واسطه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند.

## ۳- تورم و توزیع درآمد

تورم توزیع عادلانه درآمد را مختل کرده و شکاف طبقاتی در جامعه را افزایش می‌دهد.

## ۴- تورم و نرخ ارز

رابطه میان تورم و نرخ ارز را می‌توان در تراز بازرگانی یک کشور بخوبی مشاهده کرد. مثلا نرخ تورم بدلیل بالا رفتن حجم پول در گردش در کشور نسبت به کشورهای طرف تجاری بیشتر افزایش پیدا کند، آنگاه عرضه تومان در بازار ارز ایران افزایش یافته و تقاضا برای خرید ارز (دلار آمریکا) را بالا می‌برد. افزایش تقاضا برای دلار در بازار ایران سبب افزایش قیمت دلار خواهد شد.

## استخراج نتایج و بررسی رابطه علی میان داده‌ها

پس از توضیحات فوق، به بررسی رابطه علی میان داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های سنجی می‌پردازیم.

متغیرهای وابسته در تحقیق حاضر عبارتند از:

حجم پول در گردش به صورت گرد شده از جمع سکه و اسکناس دست مردم



و سپرده‌های دیداری بر حسب میلیارد ریال =  $X$

سرعت گردش پول =  $F$

متوسط نرخ سود تسهیلات بانکی به صورت % =  $G$

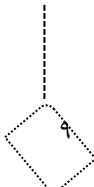
متغیر مستقل عبارت است از:

نرخ تورم به صورت % =  $y$

برای استخراج نتایج و تحلیل رابطه علی میان متغیرها، از داده‌های در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۰ برای متغیرهای چهارگانه (حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ تسهیلات بانکی و تورم) از سایت بانک مرکزی ایران استفاده شده است که به صورت جدول زیر آمده است:

جدول ۱؛ نشاندهنده داده‌های طی سال‌های ۱۳۸۰-۹۰

سال	تورم	حجم پول در گردش	سرعت گردش پول	متوسط نرخ سود تسهیلات بانکی
۱۳۸۰	۱۱٫۴	۱۴۳	۵٫۱	۱۷٫۶
۱۳۸۱	۱۵٫۸	۱۸۲	۵٫۵	۱۶٫۶
۱۳۸۲	۱۵٫۶	۲۱۷	۵٫۷	۱۶٫۱
۱۳۸۳	۱۵٫۲	۲۵۳	۶٫۲	۱۵٫۷
۱۳۸۴	۱۰٫۴	۳۱۷	۶٫۲	۱۵٫۸
۱۳۸۵	۱۱٫۹	۴۱۵	۵٫۸	۱۳٫۸
۱۳۸۶	۱۸٫۴	۵۳۵	۵٫۸	۱۱٫۸



۱۳۸ ۷	۲۵, ۴	526	۷,۱	۱۱,۸
۱۳۸ ۸	۱۰, ۸	600	۶,۴	۱۱,۸
۱۳۸ ۹	۱۲, ۴	758	۶,۲	۱۱,۹
۱۳۹ ۰	۲۱, ۵	898	۶,۹	۱۳,۵

نتیجه رگرسیونی داده‌های بالا به صورت جدول زیر با استفاده از نرم افزار views چنین است:

جدول ۲؛ بررسی معنی دار بودن و یا نبودن ضرایب و خط رگرسیون:

Dependent Variable: Y  
Method: Least Squares  
Sample: 1380 1390  
Included observations: 11

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-14.87209	29.75691	-0.499786	0.6326
X	-0.003548	0.010916	-0.324997	0.7547
F	5.518607	3.547600	1.555589	0.1638
G	-0.125423	1.126840	-0.111305	0.9145
R-squared	0.353995	Mean dependent var	15.34545	
Adjusted R-squared	0.077136	S.D. dependent var	4.794030	
S.E. of regression	4.605424	Akaike info criterion	6.167634	
Sum squared resid	148.4695	Schwarz criterion	6.312323	
Log likelihood	29.92199	Hannan-Quinn criter.	6.076428	
F-statistic	1.278612	Durbin-Watson stat	1.693539	
Prob(F-statistic)	0.353652			

مدل بدست آمده طبق جدول بالا، به صورت کلی این گونه است:

$$Y = \beta_0 + \beta_1 X + \beta_2 F + \beta_3 G$$

$$y = -14.87 - 0.0035 + 5.51 - 0.12$$

$$STD = (29.75) (0.010) (3.54) (1.12)$$



$$H_0: \beta = 0$$

$$H_1: \beta \neq 0$$

$$\alpha = 5\%$$

$$n = 11$$

باتوجه به جدول ۲، نتیجه می‌گیریم:

۱. در سطح  $\alpha = 5\%$  تمام ضرایب سه گانه ( $\beta$  ها) مساوی صفر هستند؛ یعنی  $H_0$  در ناحیه پذیرش قرار می‌گیرد و بی معناست؛ زیرا  $t$  جدول مربوط به  $\beta$  ها در دامنه‌ی ۱٫۸۹ و -۱٫۸۹ قرار دارد که  $t$  محاسباتی از  $t$  جدول کوچکتر است ( $t$  محاسباتی به ترتیب  $\beta$  ها عبارت است از: ۰٫۳۲ و ۱٫۵۵ و ۰٫۱۰).

۲. معنی دار نبودن  $H_0$  این گونه تفسیر می‌شود که، هیچگونه رابطه علی میان حجم گردش پول، سرعت گردش پول و نرخ سود تسهیلات بانکی با نرخ تورم در جامعه ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ وجود نداشته و تورم موجود در آن زمان معلول عوامل دیگری می‌باشد.

۳. خط رگرسیون این مدل نیز بی معنی است؛ زیرا  $F$  محاسباتی (1.27) کوچکتر از  $F$  جدول (۴،۳۵) می‌باشد و  $H_0$  در ناحیه پذیرش قرار می‌گیرد.

۴.  $R^2$  در مدل مورد بحث ۳۵٪ نشان داده شده است که دارای برآزش خوبی نیست و بدین معناست که، ۳۵٪ نرخ تورم طی سال‌های ذکر شده توسط عوامل حجم گردش پول، سرعت گردش پول و نرخ سود تسهیلات بانکی توضیح داده می‌شود اما ۶۵٪ دیگر توضیح دهندگی مربوط به عوامل غیر از عوامل مدل است.

۵. عدم خود همبستگی: با وجود داده‌های سری زمانی در مدل، وابستگی خودی میان جملات اخلاص وجود ندارد؛ زیرا آزمون دوربین واتسون ( $DW$ ) برابر است با ۱٫۶۹ که نزدیک به عدد ۲ می‌باشد و باعث رد شدن  $H_0$  است که بدین معناست:  $E(U_T, U_{T-1}) = 0$ ؛ یعنی جملات اخلاص در مدل مورد بحث از ارتباط پیاپی برخوردار نیستند. به عبارت دیگر، مقادیر جمله اخلاص در سطوح مختلف  $Y$

به همدیگر غیر همبسته هستند.

۶. وجود واریانس همسانی:  $E(U_i^2) = \delta^2$ ؛ یعنی میان جمله اخلاص و غیر اخلاص واریانس همسانی وجود دارد؛ زیرا به ازای هر  $Y$  جمله اخلاص با پراکندگی ثابت قرار دارد. جدول زیر با استفاده از نرم افزار *eviews* نشاندهنده واریانس همسانی در قالب آزمون *White* است. این آزمون به ما می‌گوید: اگر  $Prob.F > 5\%$  اما  $Prob.F < 5\%$  در این صورت  $H_0 \neq 0$  بنابراین در ناحیه رد قرار می‌گیریم و دارای واریانس ناهمسانی هستیم. از آنجا که در جدول زیر  $Prob.F = 3,7$  است؛ لذا مدل مورد بحث در ناحیه پذیرش قرار دارد و دارای واریانس همسانی می‌باشد که جدول ش ۳ این وضعیت را به خوبی نشان می‌دهد:

جدول ۳ بیانگر واریانس همسانی مدل است:

Heteroskedasticity Test: White

F-statistic	0.974444	Prob. F(3,7)	0.4570
Obs*R-squared	3.240510	Prob. Chi-Square(3)	0.3560
Scaled explained SS	0.528638	Prob. Chi-Square(3)	0.9126

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	18.87913	40.82963	0.462388	0.6578
X^2	-2.01E-05	2.35E-05	-0.858678	0.4189
F^2	0.560324	0.785637	0.713210	0.4988
G^2	-0.102916	0.092974	-1.106937	0.3049

۷. وجود همخطی ناقص: مدل مورد بحث به دلایل زیر دارای همخطی ناقص

شدید است:

الف) همخطی ناقص شدید زمانی خواهد بود که، همه یا بیشتر ضرایب بی معنا باشند. از آنجا که جدول شماره یک نشان می‌دهد، افزون بر بی معنا بودن آزمون  $t$  برای تک تک ضرایب، آزمون  $F$  برای کل خط رگرسیون نیز بی معنا است؛ لذا

نتیجه می‌گیریم که مدل مورد بحث دارای همخطی ناقص شدید می‌باشد.

ب) با استفاده از  $R^2$  های مدل کمکی نیز همخطی ناقص شدید ظاهر می‌شود. مدل کمکی زمانی خواهد بود که هر یک از متغیرهای وابسته را روی دیگری رگرس کنیم و سپس  $R^2$  های مدل کمکی با مدل اصلی مقایسه و در صورت بزرگتر بودن  $R^2$  های مدل کمکی از  $R^2$  مدل اصلی، نتیجه می‌گیریم که همخطی شدید وجود دارد و در غیر آن صورت، مدل دارای عدم همخطی است. مدل مورد بحث دارای همخطی ناقص شدید است؛ زیرا  $R^2$  مدل اصلی  $> R^2$  های مدل کمکی می‌باشد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

- با رگرس نمودن سرعت گردش پول و نرخ سود تسهیلات بانکی روی حجم پول در گردش، موارد زیر بدست می‌آید:

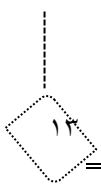
۱. تابع داده شده طبق رگرسیون جدید عبارت است:  $X = 575.9 + 133.9 - 66.8$
۲. احتمال  $t$  بر اساس تابع جدید به صورت زیر می‌باشد:  $(0, 23)$   $(0, 04)$   $(0, 55)$ .

۳. بر اساس احتمال  $t$  می‌توان حکم نمود که، نرخ سود تسهیلات بانکی با سرعت گردش پول بی ارتباط اما با حجم پول در گردش مرتبط است؛ زیرا  $5\% < \alpha$  یعنی  $\alpha = 4\%$ ؛ بنابراین  $H_0$  در  $\beta_1$  و  $\beta_2$  در ناحیه پذیرش قرار می‌گیرد و بی معناست اما  $H_0$  در  $\beta_2$  رد می‌شود و معنا دار است.

۴.  $70\% = R^2$  مدل کمکی بزرگتر از  $R^2$  مدل اصلی قرار دارد که بیانگر همخطی می‌باشد.

جدول ۴، بررسی رابطه F و G با X:

Dependent Variable: X  
 Method: Least Squares  
 Sample: 1380 1390  
 Included observations: 11



Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
----------	-------------	------------	-------------	-------

C	575.9687	941.9801	0.611445	0.5579
F	133.9215	104.6868	1.279259	0.2367
G	-66.82228	27.81615	-2.402284	0.0430
R-squared	0.707332	Mean dependent var	440.3636	
Adjusted R-squared	0.634165	S.D. dependent var	246.6034	
S.E. of regression	149.1563	Akaike info criterion	13.07487	
Sum squared resid	177980.8	Schwarz criterion	13.18338	
Log likelihood	-68.91177	Hannan-Quinn criter.	13.00646	
F-statistic	9.667378	Durbin-Watson stat	0.774661	
Prob(F-statistic)	0.007337			

- با رگرس نمودن سرعت گردش پول، حجم گردش پول روی نرخ تسهیلات

بانکی موارد زیر بدست می آید:

۱. تابع داده شده طبق رگرسیون جدید عبارت است:  $G = 20.4 - 0.006 - 0.56$

۲. احتمال  $t$  براساس تابع جدید به صورت زیر می باشد:  $(0.62)$   $(0.04)$   $(0.008)$ .

۳. براساس احتمال  $t$  و استدلال فوق، نرخ سود تسهیلات بانکی با سرعت

گردش پول بی ارتباط اما با حجم پول در گردش مرتبط است

۴.  $R^2 = 65\%$  مدل کمکی بزرگتر از  $R^2$  مدل اصلی قرار دارد که بیانگر

همخطی می باشد.

جدول ۵، بررسی رابطه  $X$  و  $F$  با  $G$ :

Dependent Variable: G  
 Method: Least Squares  
 Sample: 1380 1390  
 Included observations: 11

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	20.41386	5.922673	3.446732	0.0087
X	-0.006271	0.002611	-2.402284	0.0430
Dependent Variable: F	-0.564633	1.095035	-0.515630	0.6201
<b>Method: Least Squares</b>				
Sample: 1380 1390	0.658803	Mean dependent var		14.21818
R-squared		S.D. dependent var		2.212608
Included observations: 11	0.573503	Akaike info criterion		3.801071
Adjusted R-squared	1.444982	Schwarz criterion		3.909588
S.E. of regression	16.70378	Hannan-Quinn criter.		3.732666
Sum squared resid	-17.90589	Durbin-Watson stat		0.862053
Log likelihood	7.723425			
F-statistic	0.013553			
Prob(F-statistic)				

با رگرس نمودن حجم پول در گردش و نرخ سود تسهیلات بانکی روی سرعت گردش پول نتایج زیر بدست می آید:

۱. تابع داده شده طبق رگرسیون جدید عبارت است:  $F = 6.3 - 0.056X - 0.001C$

۲. احتمال  $t$  براساس تابع جدید به صورت زیر می باشد: (0.23) (0.62) (0.011).

۳. بنابر احتمال  $t$  و استدلال فوق، حجم پول در گردش و نرخ سود بانکی با سرعت گردش پول بی ارتباط هستند.

۴.  $R^2 = 51\%$  مدل کمکی بزرگتر از  $R^2$  مدل اصلی قرار دارد که بیانگر

همخطی می باشد.

جدول ۵؛ بررسی رابطه X و G با F:

بررسی رابطه علی میان حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ سود تسهیلات بانکی با تورم

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	6.333365	1.944393	3.257246	0.0116
G	-0.056967	0.110480	-0.515630	0.6201
X	0.001268	0.000991	1.279259	0.2367
R-squared	0.512415	Mean dependent var		6.081818
Adjusted R-squared	0.390519	S.D. dependent var		0.587908
S.E. of regression	0.458976	Akaike info criterion		1.507363
Sum squared resid	1.685271	Schwarz criterion		1.615880
Log likelihood	-5.290496	Hannan-Quinn criter.		1.438958
F-statistic	4.203696	Durbin-Watson stat		2.168595
Prob(F-statistic)	0.056520			

پس از شناخت همخطی ناقص شدید در مدل، به رفع آن با اعمال یک فرض منطقی می پردازیم؛ که به صورت زیر تعریف شده است:  $f/y = x/y = x$ ،  $g/y = g$ ؛ با گذاشتن این فرض در تابع لگاریتمی نتایج زیر بدست می آید:

جدول ۶؛ رفع همخطی با اعمال یک فرض منطقی:



Dependent Variable: LOG(Y)  
 Method: Least Squares  
 Date: 06/21/16 Time: 17:07  
 Sample: 1380 1390  
 Included observations: 11

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	2.422487	0.474377	5.106672	0.0014
LOG(X)	-0.056340	0.075726	-0.744000	0.4811
LOG(F)	-0.481655	0.278626	-1.728684	0.1275
LOG(G)	-0.471737	0.178268	-2.646221	0.0331
R-squared	0.972659	Mean dependent var	2.690266	
Adjusted R-squared	0.960942	S.D. dependent var	0.292726	
S.E. of regression	0.057852	Akaike info criterion	2.586571	
Sum squared resid	0.023428	Schwarz criterion	2.441882	
Log likelihood	18.22614	Hannan-Quinn criter.	2.677778	
F-statistic	83.00912	Durbin-Watson stat	1.548813	
Prob(F-statistic)	0.000008			

جدول ۶ بیانگر نکات زیر می باشد:

۱. تابع داده شده طبق فرض منطقی عبارت است:  $\log(y) = 2.4 - 0.056 - 0.48 - 0.47$

۲. احتمال  $t$  براساس تابع جدید به صورت زیر می باشد:  $(0.03) (0.12) (0.48) (0.001)$ .

۳. بر اساس احتمال  $t$ ، حجم پول در گردش و سرعت گردش پول با نرخ تورم بی ارتباط است اما نرخ سود تسهیلات بانکی با تورم رابطه علی دارد؛ زیرا  $5\% < \alpha$  مربوط به  $G$ . به عبارت دیگر، در سطح  $5\% = \alpha$  ضرایب  $X$  و  $F$  ( $\beta$  ها) مساوی صفر هستند؛ یعنی  $H_0$  در ناحیه پذیرش قرار می گیرد و بی معناست؛ زیرا  $t$  جدول مربوط به  $\beta$  ها در دامنه  $1,89$  و  $-1,89$  قرار دارد و  $t$  محاسباتی کوچکتر از  $t$  جدول است ( $t$  محاسباتی به ترتیب  $\beta$  ها عبارت است از:  $-1.77$ ، و  $-0.74$ ).

۴. مطابق احتمال  $t$ ، نرخ سود تسهیلات بانکی با نرخ تورم طی سال های مورد نظر رابطه علی دارد؛ یعنی نرخ تورم در کشور معلول نرخ سود بانکی است. به

بررسی رابطه علی میان حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ سود تسهیلات بانکی با تورم

عبارت دیگر، در سطح ۵٪  $\alpha$  ضریب  $G$  ( $\beta$ ) مساوی صفر نیست؛ یعنی  $H_0$  در ناحیه رد قرار می‌گیرد و معنا دار است؛ زیرا  $t$  جدول مربوط به  $\beta$  ها در دامنه‌ی ۱,۸۹ و ۱,۸۹- قرار دارد و  $t$  محاسباتی بزرگتر از  $t$  جدول است ( $t$  محاسباتی: ۲,۷۶).

۵. خط رگرسیون مدل مورد بحث با توجه به فرض منطقی، معنا دار است؛ زیرا  $F$  محاسباتی (۸۳) بیشتر از  $F$  جدول (۴,۳۵) می‌باشد و  $H_0$  در ناحیه رد قرار می‌گیرد و بدین معناست که، نرخ تورم طی سال‌های مورد توجه، معلول یکی از عوامل ذکر شده می‌باشد.

۶.  $R^2$  در مدل مورد بحث ۹۷٪ نشان داده شده که دارای بالاترین برازش است و بدین معناست که، ۹۷٪ نرخ تورم طی سال‌های ذکر شده توسط عامل نرخ سود تسهیلات بانکی توضیح داده می‌شود اما ۳٪ دیگر توضیح دهندگی مربوط به عوامل غیر از عوامل مدل است.

۷. مدل مورد بحث پس از اعمال فرض منطقی، با تمام فروض استاندارد کلاسیک مطابقت دارد؛ یعنی هیچیک از فروض کلاسیک نقض نشده. به عنوان مثال، این مدل دارای همخطی ناقص شدید نیست؛ زیرا افزون بر معنادار بودن متغیرهای  $G$  و  $F$ ،  $R^2$  های مدل کمکی کوچکتر از  $R^2$  مدل اصلی قرار دارد ( $R^2$  های مدل کمکی عبارتند از: ۸۳٪، ۹۲٪ و ۹۳٪).

۸. یکی از فروض کلاسیک واریانس همسانی بود که آزمون White انجام شده روی مدل، بیانگر ۱۹٪  $\text{Prob.F}$  است که بزرگتر از ۵٪ می‌باشد و وجود واریانس همسانی در مدل را نشان می‌دهد.

۹. در مدل مورد بحث، فرض خود همبستگی نیز رعایت شده؛ زیرا آزمون دروین و واتسون ( $DW=1,05$ ) در اطراف عدد ۲ قرار گرفته که بیانگر عدم خود همبستگی در مدل است.

## سیاستگذاری‌ها

با درک این مساله که، نرخ تورم معلول علت نرخ سود بانکی است؛ لذا برای کاهش و یا جلوگیری از رشد بی رویه نرخ تورم در جامعه لازم است سیاستگذاران پول و بانک با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی نسبت به نرخ سود بانکی توجه جدی داشته باشند و زمینه کارایی اقتصادی بانکها در جامعه با در نظر داشت متوسط سود بانکی فراهم گردد؛ چرا که در صورت بالابودن نرخ سود بانکی، بدون شک شاهد افزایش نرخ تورم در جامعه خواهیم بود که منجر به رشد اقتصادی برای ثروتمندان و فقر اقتصادی برای قشر کم درآمد جامعه می شود.

### خلاصه و نتیجه گیری

پس از توضیحات مفاهیم مانند حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، تقاضا و عرضه پول، تورم، انواع و آثار آن به بررسی رابطه علی میان متغیرها با استفاده از تکنیک های اقتصاد سنجی پرداختیم. نتایج بدست آمده از رگرس نمودن عوامل مانند حجم پول در گردش، سرعت گردش پول و نرخ سود تسهیلات بانکی بر نرخ تورم طی سال های ۱۳۸۰-۹۰ در جامعه ایران چنین می شود:

۱. نتایج اولیه از بی معنا بودن آزمون  $t$  برای تک تک ضرایب و آزمون  $F$  برای کل رگرسیون حکایت دارد و بیانگر این نکته است که هیچ ارتباط علی معلولی میان عوامل ذکر شده با تورم وجود ندارد.

۲. با رگرس نمودن عوامل وابسته مانند حجم پول در گردش، سرعت گردش پول و نرخ سود بانکی بر یگدیگر علاوه بر اثبات همخطی ناقص شدید از طریق  $R^2$  مدل اصلی  $R^2 >$  های مدل کمکی، نرخ تسهیلات بانکی با حجم پول در گردش دارای ارتباط و با سرعت گردش پول بی ارتباط تعریف گردید.

۳. پس از اعمال فرض منطقی به منظور رفع همخطی، نتایج جدید زیر به دست آمد:  
الف) بی معنا بودن آزمون  $t$  برای ضرایب  $X$  و  $F$  و معنادار بودن آزمون  $t$  برای ضریب  $G$  و معنادار بودن آزمون  $F$  برای کل رگرسیون.

ب) تفسیر بی معنا و معنادار بودن ضرایب به این صورت است: هیچ ارتباط علی معلولی میان حجم پول در گردش و سرعت گردش پول با نرخ تورم در مدل مورد نظر وجود ندارد اما نرخ تورم معلول نرخ سود تسهیلات بانکی می باشد. به عبارت دیگر، ۹۷٪ نرخ تورم در مدل مورد تحقیق توسط نرخ سود بانکی توضیح داده می شود؛ یعنی نرخ تورم در سال های مورد نظر در جامعه ایران معلول نرخ سود بانکی بوده است.

۴. اتخاذ سیاست متناسب با شرایط اقتصادی جامعه بخصوص در مورد سود بانکی افزون بر کاهش میزان تورم به کارایی بیشتر اقتصادی بانکها منجر می شود.

## فهرست منابع

۱. برنسون، ویلیام. اچ، تئوری‌ها و سیاست‌های اقتصادکلان، ترجمه: عباس شاکری، نشر نی، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۳.
۲. حیدری، ابراهیم، رشد حجم پول و تاثیر آن بر تولید و اشتغال در اقتصاد ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۸۵، ۱۳۸۷.
۳. خان، محسن. س.، اصول نظری و سیاست‌گذاری پولی در چارچوب اسلامی، مأخذ: کتاب درسهایی از اقتصاد اسلامی، انتشارات بانک و توسعه اسلامی: ۱۹۹۲.
۴. دادگر، یدالله، سیاست‌های پولی و ابزارهای آن در بانکداری اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، بی‌تا.
۵. زراء نژاد، منصور و همکاران، تخمین تابع سرعت گردش پول در اقتصاد ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۸، ۱۳۹۰.
۶. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۷. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی‌تا.
۸. فرجی، یوسف، اقتصاد کلان، ج ۱ و ۲، تهران، کویر، ۱۳۸۵.
۹. فرجی، یوسف، پول، ارز و بانکداری، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۶.
۱۰. قبادی، فرخ و رئیس‌دانا، فریبرز، پول و تورم، انتشارات پیشرو: ۱۳۶۸.
۱۱. قدیری اصلی، باقر، سیاست‌های پولی، انتشارات فروردین، تهران: ۱۳۶۴.
۱۲. کمیجانی، اکبر و دومان بهرامی راد، آزمون رابطه بلندمدت بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم، پژوهشگاه علوم انسانی، بی‌تا.
۱۳. گجراتی، دامودار، مترجم: حمید ابرشمی، مبانی اقتصاد سنجی، ج ۲، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۵، ۱۳۸۷.
۱۴. ماجدی، علی و حسن گلریز، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، انتشارات بانک مرکزی، بی‌تا.
۱۵. مهرگان، نادر و همکاران، بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و تورم: با استفاده از داده‌های تابلویی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شمار سوم، ۱۳۸۵.
۱۶. وزارت امور اقتصادی و دارایی، سیاست‌های پولی مناسب در جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.

## چکیده

بیع دین به دین از جمله عقود است که از دیرباز به دلیل ماهیت مبهم آن در ادبیات فقهی عدم جواز استعمال آن مورد توجه بوده است. این درحالی است که با بررسی فلسفه بیع و شرایط و اصول کلی حاکم بر بیع در می‌بایم که هرگاه معاملات وارد فضای غرری، شبه قماری، ربوی یا غیر عن تراض شده اند موجبات تحریم ایجاد شده است. یا به عبارتی، معاملات هر چه به سمت و سوی عدالت اقتصادی و اجتماعی چه بصورت فردی و چه بصورت اجتماعی حرکت کنند، با مقتضای عقد سنخیت بیشتری داشته و موجبات صحیح بودن آن می‌شود. بر این اساس حکمت و فلسفه قراردادهای آتی کاهش غرر و نااطمینانی (ریسک و شبه قمار) بودن آن است تا طرفین در فضای امنیت بیشتری فعالیت اقتصادی نمایند و موجبات رشد سرمایه‌های خود را ایجاد نمایند. این مطلب با فرض رعایت سایر شروط و مقتضیات عمومی عقود می‌تواند درست باشد.

این مقاله ضمن ارائه مفهومی درست از بیع دین به دین در کتب فقهی با بررسی روایات استدلال شده هر یک و با توجه به اصول کلی قراردادها و مقتضیات عقود، درصدد ایجاد فضایی صحیح برای تصمیم‌گیری در مورد مشروع بودن عقود دین به دین به شرایط خاص برای رفع نیازهای جامعه می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** بیع، دین، بیع دین، کالی به کالی، نسبه، فقه الاقتصاد، قراردادهای آتی.

## مقدمه

بیع دین به دین یکی از نقاط مبهم در تحقیقات بین‌الرشته‌ای فقه و اقتصاد می‌باشد. در فضای فقهی بین‌متقدمین چون به اندازه نیازهای جامعه امروز مورد استعمال نبوده است، فقها هرچند ورود پیدا کرده اند و ابعاد بحث را مشخص نموده‌اند و مسایل زمانه خود را حل نموده و حتی پا را فراتر از آن نهاده و مسایلی به عنوان فروضی که آن زمان تحقق خارجی نداشته نیز بحث کرده اند که این خود نشان از ظرفیت بسیار غنی فقه در حل مسایل فقهی است، اما حقیقت آن است که مسئله دین به دین در قالب بازارهای آتی و پوشش ریسک و بحث مشتقات اقتصادی امری مستحدثه می‌باشد که لزوم بازنگری فقهی و موضوع شناسی جدیدی در این حیطة را می‌طلبد.

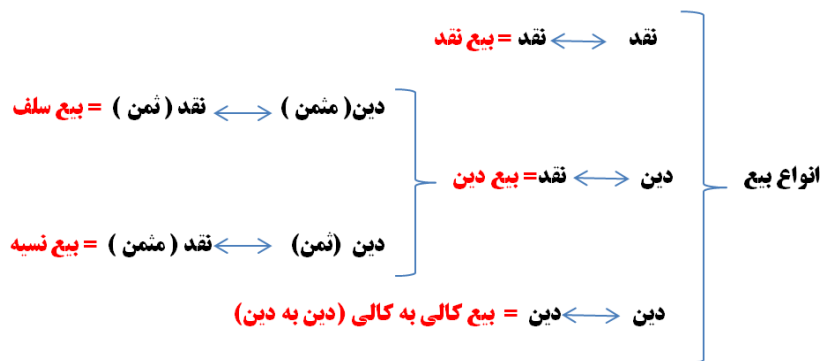
تحقیق مذکور درصدد است تا در فضای بین‌الرشته‌ای فقه الاقتصاد به تبیین و تفقه فقهی این مسئله بپردازد تا از این طریق بتواند ضمن ترسیم درست مسئله و شقوق مختلف فقهی به حل مسایل مرتبط در این زمینه با رویکرد فقهی - اقتصادی کمک نماید.

تحقیق حاضر به روش کتابخانه ای و بنیادی درصدد ارائه راه حل های کاربردی برای بحث پوشش ریسک در فضای بیع دین به دین می باشد.

## ۱. انواع بیع

در این بخش، شرح مختصری درباره ادبیات موضوع از دیدگاه اسلامی ارائه شده، مسائل فقهی ابزارها بررسی می شود.

یکی از تقسیماتی که برای بیع می شود، تقسیم بندی آن از نظر تقدم و تأخر زمان تحویل ثمن و مثن می باشد. بیع از این نظر به چهار صورت قابل تقسیم است: بیع نقد، بیع دین (نسیه، سلف)، بیع کالی به کالی



۱,۱ **بیع نقدی:** در خرید و فروش نقدی، برای انتقال ثمن و مثن مدت تعیین نمی شود. در این صورت بعد از انعقاد بیع، هر یک از عوضین به دیگری منتقل می شود، بنابراین باید با تحویل آن ذمه خود را فارغ نمایند. اگر این تحویل بعد از مجلس عقد هم صورت بگیرد باز معامله نقدی خواهد بود مشروط بر اینکه ذکری از مدت هنگام بیع بعمل نیامده باشد (النجفی، ج ۲۳، ص ۹۸).

۲,۱ **بیع دین:** یکی از طرفین آن دین و طرف دیگر نقد باشد. که خود به دو صورت ذیل تقسیم می شود.

**الف) بیع نسیه:** کلمه نسیه از نسی مشتق شده که به معنای تاخیر انداختن می باشد و صحیح آن نسیه می باشد (عمید، ص ۱۰۳۳). در معامله نسیه ثمن مدت دار است.

به عبارت دیگر، بیع نسیه آن است که ثمن، کلی (درذمه) و مؤجل باشد، یعنی ثمن نقد نباشد. در این معامله علاوه بر معلوم بودن خصوصیات ثمن و مثن باید مدت نیز مشخص باشد. نحوه تعیین هم باید به نحوی باشد که معامله از غرری بودن خارج شود. بنابراین اگر مدت را به گونه ای تعیین کنند که زمانش مشخص نباشد معامله باطل است. مثلاً اگر خریدار به فروشنده بگوید زمانی که مسافران برگشتند بهای کالا را به تو می دهم معامله باطل است (النجفی، ج ۲۳، ص ۹۹-۱۰۰).

**ب) بیع سلف:** بیع سلف یا سلم عکس نسیه است. محقق حلی در شرایع و در مختصر النافع آن را چنین تعریف نموده است: «هو ابتیاع مال مضمون الی اجل بمال حاضر اوفی حکمه» (مرورید، ج ۱۴، ص ۶۳ و نجفی، ج ۲۴، ص ۲۶۷) یعنی درسلم خریدار از فروشنده چیزی را خریداری می کند که مثن را درآینده از او تحویل

بگیرد و بهای آن را با مال حاضر یا آنچه در حکم حاضر است پردازد. مراد از آنچه در حکم حاضر است چیست؟ ممکن است مراد این باشد که ثمن هنگام بستن قرارداد موجود نیست اما قبل از تفرق موجود می شود و به فروشنده تحویل داده می شود. نکته مهم این است که بیع سلف حتی نزد کسانی هم که عین بودن را در مبیع شرط می دانند بیع است؛ زیرا هر چند مبیع هنگام قرارداد وجود ندارد و در ذمه است، اما هنگام سررسید عین خواهد بود (النجفی، ج ۲۴، ص ۲۸۹).

لازم به ذکر است که نوع دوم بیع را اگر به اعتبار مثنی (متاع یا کالا) مد نظر باشد سلف و اگر به اعتبار ثمن مد نظر باشد سلم می نامند که در هر دو صورت به لحاظ صورت عقد (مدت دار بودن مثنی) فرقی نمی کند. هر چند برخی ها این دو را کاملاً متراف هم در نظر میگیرند (جعفری لنگرودی، ص ۹۷۸، ش ۳۶۵۷).

**۳،۱ بیع دین به دین (کالی به کالی).** نوع آخر دینی است که دو طرف عقد تعهد و دین هر دو مدت دار است (هم برای تحویل مبیع و هم برای پرداختن ثمن، مدت تعیین کنند) که به اصطلاح به آن دین به دین می گویند. در حقیقت بیع دین به دین به معنای فروختن کلی در ذمه در برابر کلی در ذمه است. از عنوان بیع دین در برابر دین، در باب تجارت و دین سخن رفته است. به بیع دین به دین، بیع کالی به کالی، بیع مؤجل به مؤجل و بیع نسبه به نسبه نیز گفته می شود. (النجفی، ج ۲۴، ص ۲۹۳ - ۲۹۵، ابن براج، ج ۱، ص ۳۸۹، العاملی، ج ۳، ص ۲۱۰).

محل اصلی بحث قراردادهای آتی مشتقات همین قسمت می باشد. که در ادامه بیشتر می شود.

نام معامله	مثنی (تعویل کالا)	ثمن
نقد	حال (نقد)	حال (نقد)
سلف (سلم)	آینده (تعهد)	حال (نقد)
نسبه	حال (نقد)	آینده (تعهد)
<b>کالی به کالی (قرار داد/ پیمان آتی ها)</b>	<b>آینده (تعهد)</b>	<b>آینده (تعهد)</b>

## ۲. مفهوم شناسی

نکته بسیار مهم این است که ببینیم معنای کالی به کالی چیست؟ برای روشن شدن این امر باید مفهوم لغوی و اصطلاحی آن مورد بررسی قرار گیرد.

### الف - لغوی

جوهری در صحاح گفته است: کلاً الدین یعنی آن را به تاخیر انداخت و کالی یعنی نسبه وی کالی بالکالی را که در حدیث آمده به نسبه به نسبه معنا کرده است (الجوهری، ج ۱، ص ۶۹).

ابن الاثیر در «النهایه» گفته است: انه نهی عن الکالی بالکالی یعنی نسبه به نسبه اما نکته جالب این است که نسبه به نسبه را این گونه معنا کرده: نسبه به نسبه به این صورت است که فردی چیزی را مدت دار می خرد (به صورت نسبه می خرد)، اما هنگامی که زمان ادای ثمن فرا می رسد، وی چیزی ندارد که به طلب کار (فروشنده) بدهد، به او پیشنهاد می کند که: دینی که بر عهده من داری را به صورت نسبه تا مدت معینی بمن



بفروش و من در آن زمان به تو اضافه‌تر می‌دهم، او هم می‌پذیرد و معامله را به صورت نسیه به نسیه انجام می‌دهند در حالی که بین آن دو قبض و اقباضی صورت نمی‌گیرد، ابن اثیر در ادامه می‌گوید: «كَلَّا الدَّيْنُ كَلْوًا فَهَوَ كَالْيَ، اِذَا تَاخَّرَ» (ابن الاثیر، ج ۲، ص ۵۵۶).

### ب- اصطلاحی

ابو عبیده گفته است: معنای نسیه تأخیر است، سپس کالی و نسیه را این‌گونه تفسیر کرده: تفسیر آن این است که شخصی با دیگری معامله سلف انجام می‌دهد به این صورت که به وی صد درهم می‌دهد تا سال بعد از او مقدار معینی طعام تحویل بگیرد، هنگام سررسید فروشنده به خریدار (دهنده پول) می‌گوید من طعام ندارم که به تو بدهم، این مقدار طعام را به دویت درهم به من بفروش تا این که یک ماه بعد به تو پردازم، وی می‌پذیرد. این نسیه‌ای است که به نسیه منتقل شده است. و اگر طعام را بگیرد و به او به صورت نسیه بفروشد کالی نیست (ابن منظور، ج ۵، ص ۲۸۲).<sup>۳</sup>

فخر المحققین فرزند علامه در ایضاح الفوائد فرموده: اگر عوض و معوض در بیع به صورت مؤجل تعیین شوند بیع کالی به کالی تحقق پیدا نموده است که مورد نهی واقع شده است.<sup>۴</sup>

نکته مهم این است که برخی از فقها به مفهوم نسیه بودن توجه داشته‌اند اما گروهی هم به آن توجه نکرده‌اند. به عنوان مثال:

الف: سید یزدی در حاشیه مکاسب فرموده: الکالی اسم فاعل است از کَلَّا به معنای تاخیر یعنی عقب انداخت. بر این اساس کالی یعنی متاخر، در شرح لمعه شهید ثانی کالی را از مراقبت گرفته است، زیرا هر کدام از بایع و مشتری مراقب طرف مقابل است تا دینش را از او بگیرد، گویا شهید این معنا را از «کَلَاة» به معنای حرسه یعنی نهبانی اوراداد، گرفته است،<sup>۵</sup> اما این فرموده بعید است، نظر صحیح این است که کالی را به معنای متاخر بگیریم. محقق یزدی بیع دین به دین را به سه قسمت تقسیم کرده و قسم اولش را مرادف با بیع کالی به کالی می‌داند. آن قسم عبارت است از بیع کلی مؤجل به کلی مؤجل (السید یزدی، ج ۲، ص ۱۷۴).

ب: محقق ثانی در جامع المقاصد معنایی را که ابن اثیر نقل کرده یادآوری نموده و بعد از آن فرموده: از کلام ابن اثیر ظاهری می‌شود که مراد از بیع کالی به کالی، بیع دین به دین است چه مؤجل باشد چه غیر مؤجل، هر چند ماده کَلَّا دائر مدار تاخیر است و شاید مراد از آن دین است از آن جهت که در دین، تاخیر وجود دارد (المحقق الثانی، ج ۴، ص ۲۰۳).

<sup>۳</sup>. مجمع البحرین نیز فرموده: وفي الحديث رو نهی عن بیع الکالی بالنمر وبدونه ومعناه بیع النسیه بالنسیه و بیع مضمون مؤجل ثمله و ذلک کان سلیم

الرجل الدرهم فی طعام الی اجل فاذا اجل الاجل یقول الذی حل علیه الطعام لیس عندی طعام ولكن یعنی ایاه الی اجل فهذه نسیه انقلبت الی نسیه

الطریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۵

<sup>۴</sup>. ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۴۵۵

<sup>۵</sup>. شهید این معنا را در شرح لمعه ج ۳، ص ۵۱۲ بیان کرده است.

دین که همان ما فی الذمه می باشد در واقع نوعی تعهد به انجام یا پرداخت می باشد و شامل موارد ذیل می گردد:

الف- تعهد به پرداخت ثمن: مدیون در این حالت متعهد می شود که ما فی الذمه خویش را با پرداخت نقد یا مدت دار ثمن (پرداخت در آینده) بری نماید.

ب- تعهد به دادن مال: مدیون در این حالت با تسلیم مال و کالا به صورت حال یا مدت دار آینده الذمه خود را بری می نماید.

ج- تعهد به دادن منفعت: در این حالت مدیون تعهد به تسلیم یا اعطای منفعت کالا (اعم از ساختمان و...) می شود.

د- تعهد به دادن حق انتفاع: در این حالت مدیون با دادن حق انتفاع خود باعث بری شدن دین خود می شود.

### ۳. پیشینه فقهی بیع کالی به کالی (بیع دین به دین)

با بررسی نظرات و اندیشه های فقها در می یابیم که فقها عموماً سه مصداق برای کالی به کالی در نظر گرفته اند: بیع نسبه به نسبه، بیع دین به دین (مراد دین مؤجل قبل از عقد است)، بیع سلفی که ثمن نقداً پرداخت نمی شود و زمان برای ادای آن تعیین می شود. (النجفی، ج ۲۴، ص ۲۹۳-۲۹۵).<sup>۶</sup>

#### الف- بیع سلف

ابن ادریس در سرائر فرموده: پیامبر اکرم (ص) از بیع کالی به کالی نهی فرموده و آن بیع دین به دین است. سپس دو مثال برای آن ذکر کرده است:

الف) معامله سلف انجام می دهد، هنگام سررسید چیزی ندارد که به خریدار تحویل دهد، دین خود را در مقابل دین مؤجل می فروشد.

ب) معامله سلف انجام می دهد ولی ثمن را نمی پردازد، بلکه آن را به صورت دین در ذمه خود قرار می دهد (ابن ادریس، ج ۲، ص ۵۵).

علامه در تذکره بیع نسبه به نسبه را مرادف با بیع الکالی گرفته است (الحلی، ج ۱، ص ۵۴۱)، اما بیع سلفی که پرداخت ثمن در آن به تأخیر بیافتد را در معنای بیع الکالی بالکالی دانسته است، شهید ثانی نیز همین نظر را بیان فرموده است (همان، ص ۵۵۶).

قبلاً بیان شد که بیع به سه قسمت نقد، سلف و کالی به کالی قابل تقسیم شد. لذا کالی به کالی را سلف دانستن با مقتضای تقسیم قابلیت جمع ندارد، مگر آنکه بگوییم منظور علامه و سایرین مفهوم لغوی بیع کالی به کالی (به جهت آنکه معامله یک طرفش به اعتبار متاع که در آینده تحقق پذیرد) بوده و مفهوم

<sup>۶</sup> همچنین ر.ک: الحدائق الناضرة، ج ۱۹، ص ۱۱۹، کفایة الاحکام، ص ۹۴، الدروس الشرعیة، ج ۳، ص ۲۱۰، المهذب، ج ۱، ص ۳۸۹.

اصطلاحی آن مد نظر نبوده است. در غیر این صورت اصل تقسیم پذیرفته نیست.

### ب- نسیه به نسیه

علامه در تذکره بیع نسیه به نسیه را مرادف با بیع الکالی گرفته. (حلی، ج ۱، ص ۵۴۱). مسالک الافهام نیز نسیه به نسیه را مرادف کالی بکالی (العاملی، ج ۳، ص ۲۲۲ و ص ۲۳۷) و در جای دیگر بیع نسیه به نسیه را مصداق کالی به کالی (همان، ص ۴۳۳) دانسته است. شیخ اعظم انصاری نیز نسیه به نسیه را مرادف کالی بکالی می‌داند (انصاری، ج ۶، ص ۱۹۷). جامع المدارک بیع کالی به کالی را مرادف با نسیه به نسیه دانسته است (الخوانساری، جامع المدارک، ج ۳، ص ۱۸۱).

فقههای معاصر معمولاً کالی به کالی را مرادف با نسیه به نسیه گرفته‌اند (به عنوان نمونه: الگلپایگانی، ج ۲، ص ۶۷).

گروه زیادی از فقها هم کالی به کالی را مرادف با مؤجل بالعقد در برابر مؤجل بالعقد گرفته‌اند و این اشتباهی است که آنان مرتکب شده‌اند. مثلاً شیخ انصاری در مکاسب بیع الکالی بالکالی را با بیع مؤجل به مؤجل یکی گرفته اما آن را در برابر نقد و نسیه و سلم (سلف) قرارداد است (انصاری، ج ۶، ص ۱۹۷). صاحب مصباح الفقهان نیز چنین اعتقادی دارد. ایشان فرموده اگر عوض و معوض نسیه باشند کالی به کالی است و آن را در برابر سه قسم یاد شده قرارداد است (خویی، ج ۵، ص ۵۷۴). برخی تصریح کرده‌اند که بیع کالی به کالی یعنی بیع مؤجل بالعقد در برابر مؤجل بالعقد (الگلپایگانی، ج ۲، ص ۶۷).

نسیه به نسیه یعنی مؤجل بالعقد در برابر مؤجل بالعقد در حالی که کالی به کالی یعنی بیع مؤجل قبل العقد با مؤجل قبل العقد. بیان محقق یزدی مطابق با همین مطلب است (السید الیزدی، ج ۲، ص ۱۷۴). لذا بیع نسیه به نسیه از مقسم تقسیم کالی به کالی خارج می‌شود. هر چند بیان محقق ثانی و محقق اردبیلی اعم است از مؤجل قبل العقد و مؤجل بالعقد (حسینی عاملی، ج ۱۱، ص ۴۹). اما این مطلب باز هم نمی‌تواند نفی مودی ما نماید؛ چرا که عام یا قبل از عقد است که نسیه می‌شود یا بعد از عقد است که در ذیل بیع دین به دین قرار می‌گیرد که همان دین به دین بالعقد است که در قسمت بعدی توضیح داده خواهد شد.

### ج- دین به دین

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) در مبسوط فرموده: اگر کسی از دیگری طعامی طلب دارد و بخواهد آن را با طعامی از جنس دیگر مبادله کند، اگر آن طعام را در مجلس عقد تعیین کند و تحویل دهد صحیح است ولی اگر آن را تحویل ندهد، بیع دین به دین می‌شود و جایز نیست، و پیامبر اکرم (ص) از بیع کالی به کالی نهی فرموده است (طوسی، ج ۲، ص ۱۲۲). قاضی ابن البراج نیز همین مطلب را بیان کرده و در نهایت گفته است: از بیع کالی به کالی نهی شده که همان بیع دین به دین است (ابن براج، ج ۱، ص ۲۸۹). ریاض المسائل دین به دین را با کالی به کالی یکی دانسته است (الطباطبائی، ج ۱، ص ۵۷۳).

محقق کرکی فرموده: بیع الکالی بالکالی هو بیع الدین بالدین وقد ثبت فی السنة المطهرة النهی عنه وکونه

محرمأً سپس دو مثال برای آن زده است:

۱- می‌گوید: دین خودم را به دین تو فروختم یا می‌گوید فلان دین خودم را به ده درهم فروختم که ده درهم را یک‌ماه دیگر به تو بدهم، و شخص مقابل می‌گوید قبول کردم.

۲- ثمن را در معامله سلف دین قرار می‌دهد (محقق الکرکی، ج ۱، ص ۱۸۰).

محقق اردبیلی نیز شبیه این را فرموده: دلیل عدم جواز بیع دین به دین روایت مشهوری است که از طرق عامه از رسول (ص) نقل شده که «لایجوز بیع الکالی بالکالی» و از طریق خاصه روایت طلحه بن زید است.<sup>۷</sup>

ابن ادریس نیز در سرائر نقل کرده نمونه دیگر را دعائم الاسلام نقل کرده که ذکر می‌شود: از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که از بیع کالی به کالی نهی فرمود که همان بیع دین به دین است.<sup>۸</sup> محقق اردبیلی دلیل عدم جواز بیع دین به دین را دو چیز دانسته است:

۱. روایت نهی از بیع کالی به کالی

۲. روایت ناهیه از بیع دین به دین (المحقق الأردبیلی، ج ۹، ص ۹۶).

به این ترتیب ایشان نیز کالی به کالی را با دین به دین مرادف گرفته است.

#### ۴. بررسی سند روایات بیع دین به دین

فقهای شیعه مرتباً اصطلاح کالی به کالی را به کار برده‌اند، در حالی که در کتب ما روایت صحیحی که این اصطلاح در آن به کار رفته باشد وجود ندارد و تنها دو روایت در مورد بیع دین به دین وجود دارد که قبلاً ذکر شدند. سؤال بسیار مهم این است که چرا با وجود این که روایت صحیحی نداریم، باز هم مرتباً از این اصطلاح استفاده می‌شود، در برخی موارد علت عدم صحت بیع دین به دین را به این صورت بیان کرده‌اند که: «ولایصح بیع الدین بدین آخر ولا بیعه نسیئه، اما الاول فلانه بیع الکالی بالکالی (محقق کرکی، ج ۵، ص ۱۹). یا: ولوشرط کون الثمن مؤجلاً بطل، لانه من الکالی بالکالی (مکی العاملی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۶). به نظر می‌رسد که گرچه روایت منع از بیع کالی به کالی از طریق اهل سنت نقل شده ولی علمای ما به خاطر قرائنی که نزد ما نیست به صدور آن اطمینان داشته‌اند.

<sup>۷</sup>. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۹، ص ۹۶

<sup>۸</sup>. نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۳: محقق خوئی فرموده: مولف این کتاب معروف به ابوحنیفه شیعه، امامی و اثنی عشری و جلیل و فاضل و فقیه بوده. او از جمله نوایب زمان خود و یگانه روزگار بوده، او در ابتدا مالکی بوده اما مستبصر شده و شیعه امامی گردیده این امر مورد اتفاق اکثر شرح حال نوسان است مانند بحار الانوار (ج ۱، ص ۱۵) و مامقانی (تفیح المقال، ج ۳، ص ۲۷۳) و محدث قمی (سفینه البحار) و مستدرک و تاسیس الشیعه و غیر آنان بنابر این کلام ابن شهر آشوب که گفته وی امامی نبوده درست نیست. سپس محقق خوئی در مورد وثاقت او می‌گوید: انصاف این است که بعد از فحص زیاد ندیدیم کسی را که تصریح به وثاقت و دوازه امامی بودن وی کند. هر چند محدث نوری تلاش فراوانی در این زمینه کرده اما چیز قابل اطمینانی ارائه نداده. حتی اگر بپذیریم که وی ثقة بوده و اثنی عشری بوده، باز هم نمی‌توانیم روایات آن را حجت بدانیم، فقط می‌توانیم به عنوان روایات مرسله برای تأکید و تأیید از آن‌ها مدد بگیریم همانگونه که مجلسی در بحار (ج ۱، ص ۱۵) فرموده است.

(المحقق الخویی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۷)

شاهد دیگری که می‌توان برای این مطلب ذکر نمود این است که در مواردی به صورت روایت از رسول اعظم (ص) نقل کرده‌اند. مانند آنچه شیخ در مبسوط، ابن‌ادریس در سرائر و دیگران نقل کرده‌اند (تمیمی - مغربی، ج ۲، ص ۳۳).<sup>۹</sup>

البته این روایت مرسله است و فقط می‌تواند مؤید باشد. روایات شیخ در مبسوط و ابن‌ادریس در سرائر و این‌گونه موارد نیز همگی مرسله‌اند اما شیخ و دیگران با اطمینان آن را از حضرت نقل کرده‌اند. همچنین از مجموع مواردی مانند؛ وضعیت مرسله بودن و تعبیر شیخ بر «رُوی»<sup>۱۰</sup> و اینکه به لحاظ اولویت اعتباری کتب حدیثی - فقهی نزد ما که ۴ مورد مشهور (کتب اربعه) اعتبار و ملاکیت بیشتری دارد نسبت به سایر کتب (مانند: سرائر ابن‌ادریس و...)؛ می‌توان اطمینان به صدور این روایت پیدا کرد. مخصوصاً که در مانند این مسئله داعی جعل حدیث وجود نداشته است و بلکه شاید بتوان گفت داعی بر خلاف بوده که این امر بعد از بیان معنای کالی بکالی روشن خواهد شد.

### ۵. حکمت تحریم بیع دین به دین

اگر بتوانیم همراه با بررسی روایات در مورد شرایطی که این روایات صادر شده است کاوش نمائیم، بهتر می‌توانیم معنای بیانات معصومین (ع) را درک نمائیم، این امر در مورد آیات قرآن کریم رایج بوده و هست اما در مورد روایات کمتر صورت گرفته است.

سؤال مهمی که ممکن است برای بسیاری مطرح شود این است که چرا پیامبر عظیم اسلام (ص) از بیع دین به دین نهی فرموده است؟ اگر نتوانیم دلیل قانع کننده‌ای برای این سؤال بیابیم، این فرموده حضرت به اطلاق خودش باقی است و باید به آن ملتزم باشیم. اما نکته‌ای به ذهن می‌رسد که ممکن است بتوان آن را به عنوان شأن نزول این دو روایت مطرح کرد که در ادامه بیان می‌کنیم.

در زمان جاهلیت انواع مختلفی از ربا در جزیره العرب رواج داشت که می‌توان آن‌ها را تحت دو عنوان کلی قرارداد: ۱. قرض ۲. تمدید مهلت دین

۱. ربای قرضی: پولی را قرض می‌داد به شرط این که قرض گیرنده در مدت معینی مقداری اضافه بپردازد که یا به صورت ماهیانه می‌پرداخت و در پایان مهلت اصل پول را به او برمی‌گرداند و یا یک‌دفعه به او

<sup>۹</sup>. همچنین: محقق خوئی فرموده: مؤلف این کتاب معروف به ابوحنیفه شیعه، امامی و اثنی عشری و جلیل و فاضل و فقیه بوده. او از جمله نوایغ زمان

خود و یگانه روزگار بوده، او در ابتدا مالکی بوده اما مستبصر شده و شیعه امامی گردیده این امر مورد اتفاق اکثر شرح حال نوسان است مانند بحار الانوار (ج ۱، ص ۱۵) و امامقانی (تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۷۳) و محدث قمی (سفینه البحار) و مستدرک و تاسیس الشیعه و غیر آنان بنا بر این کلام ابن شهر آشوب که گفته وی امامی نبوده درست نیست. سپس محقق خوبی در مورد وثاقت او می‌گوید: انصاف این است که بعد از فحص زیاد ندیدیم کسی را که تصریح به وثاقت و دوازده امامی بودن وی کند. هر چند محدث نوری تلاش فراوانی در این زمینه کرده اما چیز قابل اطمینانی ارائه نداده. حتی اگر بپذیریم که وی ثقه بوده و اثنی عشری بوده، باز هم نمی‌توانیم روایات آن را حجت بدانیم، فقط می‌توانیم به عنوان روایات مرسله برای تأکید و تأیید از آن‌ها مدد بگیریم همانگونه که مجلسی در بحار (ج ۱، ص ۱۵) فرموده است. (المحقق الخویی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۷)

<sup>۱۰</sup> تعبیر شیخ با «قال» از اهمیت و اعتبار بیشتری نسبت به «رُوی» برخوردار است.

می پرداخت.

۲. ربا به صورت تمدید مهلت دین: افراد با یکدیگر معامله می کردند به صورت های مختلف مانند بیع سلف بیع نسبه و صورت های دیگر، اما هنگام سر رسید، بدهکار توانایی پرداخت دین خود را نداشت، در این صورت از طلبکار تقاضای تمدید می کرد و طلبکار به شرط زیاد کردن اصل بدهی می پذیرفت.

فخر رازی ذیل آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مومنین» (بقره: ۲۷۸). چهار شأن نزول نقل کرده است، دو مورد مربوط است به اعم از ربای قرضی و دینی و دو مورد مخصوص ربای دینی است. مثلاً: عباس عموی پیامبر (ص) و عثمان بن عفان (خلیفه سوم) خرما را پیش خرید می کردند، هنگام سر رسید قسمتی را می گرفتند و مابقی را که دین بود برعهده پیش فروشان، به آنان به بهای بیش تری می فروختند. در روایت دیگر همین امر در مورد عباس و خالد بن ولید نقل شده است (الفخرالرازی، ج ۴، ص ۱۰۸).

سیوطی در تفسیر معروف خود «الدرالمنثور» چنین نقل کرده است:

در زمان جاهلیت مردی از دیگری طلب داشت، هنگام سر رسید بدهکار به طلبکار پیشنهادی کرد که دین او را تا مدتی به تأخیر اندازد و در ازای آن به مبلغ دین اضافه کند (السیوطی، ج ۲، ص ۱۰۵). کسی به دیگری چیزی را مدت دار می فروخت (به صورت نسبه) هنگام رسید پولی نداشت که دین خود را ادا کند، طلبکار بدهی را زیاد می کرد و به تأخیر می انداخت (همان).

مجمع البیان از ابن عباس نقل کرده است: هنگامی که شخصی از ربا خواران وام می گرفت و تاریخ پرداخت آن می رسید، چون بدهکار چیزی نداشت به طلبکار می گفت: مدتی بمن مهلت دهید تا وضعم بهتر شود، من نیز به اصل مبلغ بدهی خواهم افزود و با هم توافق می کردند. هنگامی که به آنان گفته می شد این عمل شما رباخواری است، می گفتند چنین نیست، بلکه این توافق مانند خرید و فروش است. از این رو خداوند آن ها را مورد مذمت قرارداد و این آیه را نازل فرمود که: «واحل الله البیع وحرّم الربوا» (بقره: ۲۷۵). مالک نیز در موطأ روایاتی را در این زمینه نقل کرده است (مالک بن انس، ص ۴۱۰). به این صورت، قاعده «انظرنی اذ ذک» (الزحیلی، ص ۳۸۸) و «ربا النسیئه» (یونس المصری، ص ۹۰) نیز گفته می شود.

در این زمینه نقل های فراوان دیگری نیز وجود دارد، اما به همین اندازه اکتفا می شود. وقتی شرایط ظهور اسلام را در نظر می گیریم که یکی از بلاهای بزرگی که به جان مردم ضعیف افتاده بود وضعیتی بود که ربا-خواران برای آنان به انحاء مختلف از جمله مواردی که ذکر کردیم ایجاد کرده بودند، می توانیم اطمینان داشته باشیم (والله العالم) که مراد از نهی بیع دین به دین و کالی به کالی چیست؟ آیا جز این است که این روایات نیز در راستای آیات قرآن کریم در صدد بهم زدن نظام ظالمانه ربا خواری رایج در آن زمان، بیان شده است؟ به نظر می رسد که بیع دین به دین در آن زمان هیچ مصداقی که خالی از ربا بوده باشد نداشته است.

به عبارت دیگر بیع دین به دین و کالی به کالی فقط ابزاری بوده اند برای ربا خواری. حال اگر شرایطی

در اقتصاد فراهم شود که با تعیین دقیق ضوابط معتبر در معاملات، دین با دین مبادله شود و شبهه ربا در آن نباشد، آیا بازهم می‌توان آن را مشمول این روایات دانست؟ به نظر می‌رسد که چنین نباشد. البته روشن است که در زمان ماهم این‌گونه امور می‌توانند ابزاری برای سوء استفاده واقع شوند. از این‌رو، ممکن است کسی بگوید روایت اطلاق دارد و رسول (ص) به صورت کلی آن را تحریم فرموده تا زمینه سوء استفاده از بین برود.

## ۶. بررسی انواع بیع دین به دین

قبل از بررسی انواع بیع دین به دین دو مطلب که منشاء اختلاف فقها شده است در ذیل ذکر می‌گردد.

**مطلب اول:** آیا در صدق دین بر کلی در ذمه، مدت دار بودن آن دخیل است یا نه؟

در مورد این مطلب فقها دو گروه شده اند.

*الف) عام بودن عنوان دین (معجل و مؤجل):*

گروهی از فقها با اعتقاد به عدم دخیل بودن، بیع دین به دین را شامل همه‌ی انواع بیع کلی در ذمه در برابر کلی در ذمه می‌دانند؛ خواه هر دو حال باشند یا مدت دار و یا مختلف.

*ب) مدت دار بودن دین (فقط مؤجل):*

گروهی دیگر معتقدند که مدت شرط تحقق دین است و حقیقت دین، کلی در ذمه‌ای است که مدت دار (مؤجل) باشد. در نتیجه، کلی در ذمه‌ای که در اصل، مدت دار نبوده (نقد بوده) است. یا مدت دار بوده لیکن هنگام معامله مدتش پایان پذیرفته است (حال و معجل شده است) دین به شمار نمی‌رود. بیع این نوع کلی در ذمه در برابر کلی در ذمه، مصداق بیع دین به دین نخواهد بود.

البته در مورد مراد از اعتبار أجل در مفهوم دین در کلام برخی فقها، برخی گفته‌اند: برفرض پذیرفتن اعتبار أجل در مفهوم دین - چنان‌که برخی لغویان گفته‌اند - مراد از آن، اعتبار أجل در اصل تحقق عنوان دین است و پس از آن، دین بر کلی در ذمه صادق است؛ هر چند مدت آن به پایان رسیده و حال و نقد گردیده باشد (یزدی، ج ۲، ص ۱۱).

**مطلب دوم:** بیع دین به دین بالفعل است یا بالعقد؟

آیا حقیقت بیع دین به دین، بیع کلی در ذمه در برابر کلی در ذمه‌ای است که هر دو پیش از عقد به سببی دیگر بر ذمه آمده (بالفعل) باشند، یا شامل بیع کلی‌ای که به سبب عقد فعلی (بالعقد) بر ذمه آمده نیز می‌شود؟

*الف) بنا بر قول اول، بیع دین به دین تنها در دو دین ثابت قبل از عقد، تحقق پذیر است نه دو دین حاصل از عقد بیع.*

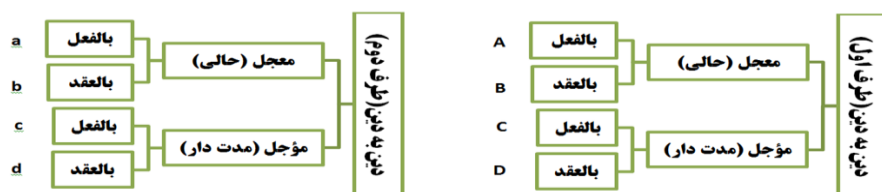
*ب) برخلاف قول دوم که در دو دین ثابت به سبب عقد نیز معنا پیدا می‌کند. مشهور قول دوم*

<sup>۱۱</sup> همچنین ر.ک؛ منهاج الصالحین (سید محمد سعید حکیم)، ج ۲، ص ۲۰۷. هدایة العباد (گلپایگانی)، ج ۲، ص ۶۷ - نه‌ایة المقال، ص ۱۹۷ - ۱۹۸ -.

جوهر الکلام، ج ۲، ص ۳۴۶ - ۳۴۷ - ریاض المسائل، ج ۸، ص ۴۵۴ - الحدائق الناضرة، ج ۲۰، ص ۲۰۳. الحدائق الناضرة، ج ۲۰، ص ۴۸.

است. (محقق قمی، ج ۲، ص ۸۲-۸۴)<sup>۱۲</sup>

بر اساس دو مطلب فوق‌الذ که منشاء اختلاف و ایجاد صور مختلفی برای بیع دین به دین شده است و با فرض معجل (حالی) و مؤجل (مدت دار) بودن و بالفعل (سابق) و بالعقد (لاحق) بودن، ۱۶ حالت ذیل قابل تصور است.<sup>۱۳</sup>



حالات مختلف طرفین بیع دین به دین

ردیف	طرف اول	طرف دوم	وضعیت طرفین	حکم فقهی
۱	Aa	حالی (معجل) بالفعل	طرفین حالی بالفعل	اختلاف
۲	Ab	حالی بالفعل	حالی بالعقد	اختلاف
۳	Ac	حالی بالفعل	مؤجل بالفعل	صحیح (به شرط کلی حالی)
۴	Ad	حالی بالفعل	مؤجل بالعقد	صحیح (به شرط کلی حالی)
۵	Ba	حالی بالعقد	حالی بالفعل	اختلاف
۶	Bb	حالی بالعقد	حالی بالعقد	اختلاف
۷	Bc	حالی بالعقد	مؤجل بالفعل	اختلاف
۸	Bd	حالی بالعقد	مؤجل بالعقد	اختلاف
۹	Ca	مؤجل بالفعل	حالی بالفعل	صحیح (به شرط کلی حالی)
۱۰	Cb	مؤجل بالفعل	حالی بالعقد	اختلاف
۱۱	Cc	مؤجل بالفعل	طرفین مؤجل بالفعل	تمام فقها باطل
۱۲	Cd	مؤجل بالفعل	مؤجل بالعقد	اختلاف
۱۳	Da	مؤجل بالعقد	حالی بالفعل	صحیح (به شرط کلی حالی)
۱۴	Db	مؤجل بالعقد	حالی بالعقد	صحیح (به شرط کلی حالی)

۱۲. همچنین ر.ک: مهذب الاحکام، ج ۱۸، ص ۳۱- کفایة الاحکام، ص ۱۰۴- کفایة الاحکام، ص ۹۵. فوائد القواعد، ص ۵۸۳- ریاض المسائل، ج ۸، ص ۴۴۲- الحدائق الناضرة، ج ۲۰، ص ۱۸.

۱۳. البته با اضافه کردن فروض دیگر [الف-معجل (حالی) به مؤجل و معجل کلی حال. ب- مؤجل (مدت دار) به حال (سر رسید آن رسیده است) به غیر آن] حالات بیشتری به وجود می آید که برخی تعداد آن را به ۴۶ صورت قابل تصور دانسته اند؛ زیرا مبیع و ثمن ممکن است به یکی از صورت های ذیل باشد: دین سابق مؤجل فعلی، دین سابق مؤجل و حال فعلی، دین سابق لاحق و بر حسب این که مبیع به مدیون یا غیر آن فروخته شود، صورت های چهل و شش گانه تحقق می یابد. (ر.ک: الموسوی السبزواری، ۱۴۰۷ ق: ج ۲۱، ص ۱۹). البته با کمی تامل تنها ۱۶ فرض اصلی و ۱۰ فرض عملیاتی قابلیت تصور را دارند.

لازم به ذکر است؛ عباراتی مانند حال مؤجل و کلی حال در متن مقاله به ترتیب همان حالی بالفعل و حالی بالعقد می باشد.



اختلاف		مؤجل بالفعل	مؤجل بالعقد	Dc	۱۵
مشهور فقها باطل	طرفین مؤجل بالعقد	مؤجل بالعقد	مؤجل بالعقد	Dd	۱۶

در ردیف های ۱۶ گانه فوق الذکر ۶ حالت مشترک وجود دارد که با ادغام آنها ۱۰ نوع (حالت) ذیل به وجود می آید که با تفصیل بیشتری در جدول ذیل آمده است.

حالات دهگانه		طرف اول	طرف دوم	وضعیت طرفین	حکم فقهی
نوع اول	۱۱	مؤجل بالفعل	مؤجل بالفعل	طرفین مؤجل بالفعل	دو طرف دین
نوع دوم	۱۶	مؤجل بالعقد	مؤجل بالعقد	طرفین مؤجل بالعقد	دو طرف دین
نوع سوم	۱۵-۱۲	مؤجل بالفعل	مؤجل بالعقد		شبهه حالت یک طرف دین مؤجل بالفعل: کالا یا ثمن موجود قابل پرداخت (شبهه نقد) (چون بالفعل و قابل پرداخت است شبهه یک طرف نقد است) مؤجل بالعقد: کالا یا ثمن نیست و بعدا می دهد
نوع چهارم	۱۴-۸	حالی بالعقد	مؤجل بالعقد		شبهه حالت یک طرف دین حالی بالعقد: کالا یا ثمن موجود قابل پرداخت (شبهه نقد) مؤجل بالعقد: کالا موجود نیست تحویل آینده (مبیع مدت دار)
نوع پنجم	۱۰-۷	حالی بالعقد	مؤجل بالفعل		شبهه حالت یک طرف دین حالی بالعقد: کالا یا ثمن

							موجود قابل پرداخت (شبيه نقد) مؤجل بالفعل: کالا موجود است تحویل آینده (مبيع مدت دار)
نوع ششم	۱۳-۴	Ad- Da	حالی بالفعل	مؤجل بالعقد			حالی بالفعل: طلبی که از قبل وجود داشته است مؤجل بالعقد: کالا یا ثمن نیست و بعدا می دهد
نوع هفتم	۹-۳	Ac- Ca	حالی بالفعل	مؤجل بالفعل			شبيه حالت يك طرف دين مؤجل بالفعل: کالا یا ثمن موجود قابل پرداخت (شبيه نقد) (چون بالفعل و قابل پرداخت است شبيه يك طرف نقد است) حالی بالفعل: طلبی که از قبل وجود داشته است
نوع هشتم	۶	Bb	حالی بالعقد	حالی بالعقد	طرفین حالی بالعقد		شبيه حالت دو طرف نقد حالی بالعقد: کالا یا ثمن موجود قابل پرداخت (شبيه نقد) حالی بالعقد: کالا یا ثمن موجود قابل پرداخت (شبيه نقد)
نوع نهم	۵-۲	Ab- Ba	حالی بالفعل	حالی بالعقد			شبيه حالت دو طرف نقد حالی بالعقد: کالا یا ثمن موجود قابل پرداخت (شبيه نقد) حالی بالفعل: طلبی که از قبل وجود داشته است
نوع دهم	۱	Aa	حالی (معجل) بالفعل	حالی (معجل) بالفعل	طرفین حالی بالفعل		شبيه حالت دو طرف نقد حالی بالفعل: طلبی که از قبل وجود داشته است

حالی بالفعل: طلبی که از قبل وجود داشته است						
--	--	--	--	--	--	--

در ذیل به صورت کلی و عملیاتی، با ذکر مثال‌هایی و بیان نظرات فقهی هر یک بررسی می‌گردد. همان‌طور که از بررسی در جدول مشخص است، انواع دهگانه این نوع بیع را می‌توان به سه دسته ذیل تقسیم بندی نمود.

### دسته اول: نوع اول و دوم

#### نوع اول: هر دو طرف معامله، دین مؤجل فعلی باشند؛

دین مؤجل فعلی، یعنی قبل از معامله دین وجود دارد و هنوز زمان سررسید آن فرا نرسیده است. این مورد به اجماع فقها باطل است. می‌دانیم که اصل اولی صحت تمامی معاملات است و فقط جایی حکم به عدم صحت یک معامله می‌کنیم که شارع از آن نهی فرموده باشد و دلیل معتبری بر فساد داشته باشیم. بنابراین در این مورد باید دلیل معتبری بر فساد اقامه شود. (الحسینی العاملی، ج ۵، ص ۲۸-۳۰ و الموسوی-السبزواری، ۱۴۰۷ق:ج ۱۷، ص ۲۶۲) دو دلیل عمده روایات و اجماع وجود دارد.

۱. روایات: دو روایت را می‌توان مستند منع دانست:

**الف)** محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن ابراهیم بن مهزم، عن طلحة بن زید عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا یباع الدین بالدین (الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۳۴۷). طلحة بن زید از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت فرمودند: پیامبر (ص) فرمودند: دین در مقابل دین نباید فروخته شود. در مورد سند این روایت، آگاهان به رجال می‌دانند که همه راویان توثیق شده‌اند<sup>۱۴</sup> و فقط در مورد طلحة بن زید برخی اشکالات وجود دارد: شیخ طوسی فرموده طلحة بن زید عامی المذهب است، نجاشی نیز فرموده وی عامی است و از امام صادق (ع) روایت نقل کرده است<sup>۱۵</sup>. به همین دلیل برخی این روایت را تضعیف کرده‌اند. اما با توجه به دو مطلب می‌توان او را توثیق نمود:

مطلب اول: شیخ در همانجا که فرموده عامی المذهب است، اظهار داشته که «ان کتابه معتمد» یعنی وی کتابی دارد که مورد اعتماد ماست. اعتماد شیخ به کتاب او را می‌توان دلیل توثیق او دانست. مخصوصاً که شیخ فرموده: «له کتاب وهو عامی المذهب الا ان کتابه معتمد» (محقق اردبیلی، ج ۱، ص ۴۲۱) یعنی هر چند وی عامی است اما کتابش مورد وثوق است، استثنای این صورت مفید اطمینان است.

مطلب دوم: این است که مشهور به این روایت عمل کرده‌اند این عمل را می‌توان جبران کننده ضعف سند

<sup>۱۴</sup> سه راوی اول که از معارف هستند. نجاشی در مورد ابراهیم بن مهزم فرموده: ثقة ثقة

<sup>۱۵</sup> عبارت نجاشی چنین است: ابوالخزرج النهدی الشامی و تبال الخزری، عامی، روی عن جعفر بن محمد علیها السلام. رجال النجاشی ص ۲۰۷

دانست. مفتاح‌الکرامه فرموده: ضعف سند این خبر با شهرت و اشتهار جبران می‌شود (حسینی عاملی، ج ۱۱، ص ۴۹). فقها اتفاق دارند که این روایت فروش دین مؤجل قبل از عقد در برابر مؤجل قبل از عقد را دربر می‌گیرد (همان).

ب) روایت دوم را شیخ طوسی به سند خود از صفوان بن یحیی و صفوان از منصور بن حازم که همه معتبر هستند نقل کرده که منصور از امام صادق (ع) پرسید: شخصی از دیگری طعام یا گاو یا گوسفند یا غیر آن طلبکار است. بدهکار نزد طلبکار می‌رود تا بدهی خود را در برابر چیزی از او خریداری نماید. امام (ع) فرمودند: آن را به صورت نسیه با او معامله نکنند، اما به صورت نقدی به هر چه می‌خواهد به او بفروشد (الحرّ العاملی، ج ۱۸، ص ۴۵) <sup>۱۶</sup>.

علت این که فرمود به صورت نسیه خریداری نکنند این است که در این صورت از مصادیق بیع دین به دین خواهد شد.

۲. اجماع: علامه در تذکره فرموده: بیع دین به دین جایز نیست به دلیل روایتی که از امام صادق نقل شده که ایشان فرموده: قال رسول الله (ص): لا یباع الدین بالدین، اما فروش دین در مقابل غیر دین چه به مدیون و چه به غیر او جایز است چه به مبلغ بیشتر و چه به کمتر و یا به مساوی (العلامه الحلی، ج ۲، ص ۳). صاحب حدائق فرموده: ظاهر این است که خلافتی بین فقها نیست که بیع دین به دین تحریم شده است. و بعد از نقل روایت «لا یباع الدین بالدین» فرموده در مورد دین مؤجل فی الجملة اشکالی نیست که ممنوع است (البحرانی، ج ۲۰، ص ۲۰۱).

مفتاح‌الکرامه نیز ادعای اجماع کرده: «فقد نقل الاجماع علی فساد» (حسینی عاملی، ج ۱۱، ص ۴۸). در کتب فقهی متأخرین کما بیش اجماع مطرح می‌شود اما این اجماع در کتب قدما نیامده است. مثلاً شیخ طوسی در نهاییه و مبسوط و خلاف این مطلب را متعرض نشده است. بنا بر این به نظر می‌رسد این اجماع مدرکی باشد، و ناقلین آن به روایت طلحة بن زید و منصور بن حازم نظر داشته‌اند، و گرنه چگونه ممکن است که چنین اجماعی توسط قدمای اصحاب مورد غفلت واقع شده باشد؟

### نوع دوم: هر دو طرف، دین مؤجل لاحق (بالعقد) <sup>۱۷</sup> باشند

در این فرض قبل از عقد دینی وجود ندارد، بیعی صورت می‌گیرد که هم ثمن موکول به آینده می‌شود و هم برای پرداخت ثمن زمانی در آینده تعیین می‌شود. این قسم در واقع در برابر سه صورتی است که قبلاً بررسی شدند و عبارت بودند از: خرید و فروش نقد، نسیه و سلف. در اینجا معامله نسیه به نسیه صورت می‌گیرد. می‌دانیم که این قسم در دنیای امروز بسیار رایج است و قراردادهای زیادی بر این اساس انجام

<sup>۱۶</sup> عن منصور بن حازم قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل يکون له علی الرجل طعام او بقر او غنم او غیر ذلك فاتی المطلوب الطالب لیبیاع

منه شیئاً؟ قال: لا یبعه نسیاً فامانقداً فلیبعه بما شاء.

<sup>۱۷</sup> به واسطه ایجاد عقد و معامله، دین ایجاد می‌شود.

می‌پذیرد. از این رو روشن شدن حکم فقهی آن بسیار با اهمیت است.

در ابتدا ذکر یک نکته لازم است: ممکن است معامله به صورت نقدی انجام شود ولی به دلیل این که ثمن و مثن کلّی هستند، پرداخت با فاصله کمی بعد از مجلس عقد صورت گیرد، این معامله مسلماً صحیح است و مورد بحث نیست. بحث آنجاست که در ضمن قرارداد برای ثمن و مثن اجل تعیین شود و زمان در ذات معامله درج شود. از این رو قراردادهای نفتی که در آن قید می‌شود فلان مقدار نفت را در مقابل مبلغ معینی معامله می‌کنیم و ثمن و مثن را سه ماه بعد مبادله می‌نمائیم مصداق بیع نسبی به نسبی است، همچنین کارخانجاتی که محصولات تولیدی چند ماه بعد خود را به واسطه‌ها می‌فروشند و در برابر آن از آن‌ها مثلاً چک برای آینده می‌گیرند نیز بیع نسبی به نسبی انجام می‌دهند؛ زیرا مدت در خود معامله قید شده است.

### بررسی فقهی مسئله

در ابتدا نظرات عمده فقهای شیعه و اهل سنت بیان می‌شود و سپس تحلیل آن‌ها ارائه می‌گردد. شیخ طوسی و ابن ادریس و علامه و شهید اول و محقق ثانی این قسم را باطل دانسته‌اند (همان، ص ۴۹)<sup>۱۸</sup>. نکته مهم این است که این گروه از فقها این مسئله را در باب سلف آورده‌اند (به تفصیل خواهد آمد) و گفته‌اند: اگر در معامله سلف دینی را که خریدار در ذمه فروشنده دارد به عنوان ثمن قرار دهند معامله باطل است، و این نشان می‌دهد که این مسئله را از صغریات سلفی می‌دانسته‌اند که ثمن در مجلس قبض نمی‌شود و دلیل عمده بطلان آن مسئله اجماع است. البته در موردی که معامله صورت گیرد و بعد از تمام شدن معامله ثمن را دینی قرار دهند که در ذمه فروشنده بوده بسیاری آن را صحیح می‌دانند (الطباطبائی، ج ۹، ص ۱۲۰ و ۱۲۱).

عمده فقهایی که این مسئله را مطرح کرده‌اند از آن به بیع کالی به کالی تعبیر کرده‌اند که در این مورد سخن خواهیم گفت. بسیاری از فقهای معاصر مانیز همین نظر را دارند که چند نمونه ذکر می‌شود:

آیت‌الله گلپایگانی بعد از فتوا به عدم جواز بیع مؤجل به مؤجل قبل العقد فرموده: اگر ثمن و مثن به سبب عقد بیع به صورت دین مؤجل به مؤجل در آیند نیز اشکالی در بطلان آن نیست، و از این صورت به بیع - کالی بکالی تعبیر می‌شود (گلپایگانی، ج ۲، ص ۶۷).

آیت‌الله سیستانی نیز همین نظر را دارند: اگر ثمن و مثن بوسیله عقد به صورت دین در آیند در صورت مؤجل بودن باطل است (سیستانی، ج ۲، ص ۲۷۹).

آیت‌الله خویی نیز عین همین عبارت را دارد اما فتوا نداده بلکه بطلان را علی‌الاحوط دانسته است (همان، ص ۱۷۳).

دلیل عمده قائلین به بطلان سه چیز است:

<sup>۱۸</sup> همچنین صاحب جواهر نیز در ج ۲۴ ص ۲۹۲ فرموده: قد تحصل من مجموع ما ذكرنا المنع من بيع الدين السابق بالدين السابق مطلقا واما اذا كانا مضمونين بالعقد فالموجلان منهما لاریب فی بطلانه بل یمكن اندراجہ فی بیع الكالی بالكالی

الف- اجماعی که در باب سلف وجود دارد و بعد از این خواهد آمد.

ب- این قسم نیز از مصادیق بیع دین به دین است و روایت طلحة بن زید شامل آن می‌شود.

ج- این قسم معامله کالی به کالی است که از آن نهی شده است.

محقق اردبیلی در ابتدا فرموده: ظاهر عرف و کلام فقها مقتضی بطلان این قسم است و دلیل آن را نهی از بیع دین به دین و نهی از معامله کالی به کالی ذکر کرده است. اما بعد از آن، از این گفته خود برگشته و آن را تضعیف نموده است. دلیل ایشان این است که متبادر از بیع دین به دین دینی است که دو طرف مؤجل قبل از عقد باشند. در انتها این نوع را بی‌اشکال دانسته است (طبرسی، ج ۹، ص ۹۶). شهید ثانی نیز این نوع را صحیح می‌داند (العاملی، ج ۳، ص ۴۳۴). استدلال شهید این است که «باء» در «لایبایع الدین بالدین» اقتضا دارد که دین عوض و معوض واقع شود، و این امر در موردی که این دو سبب قرارداد دین بشوند صادق نیست و گرنه در موردی هم که دین حال با دین حال مبادله می‌شود نیز باید بگوییم بیع دین به دین تحقق پیدا کرده است، درحالی که کسی قائل به آن نیست. به نظر ایشان اگر عرف به مورد بحث اطلاق بیع دین به دین کند مجاز است (همان ص ۴۳۴). محقق ثانی در مقابل استدلال شهید ثانی به اجماع فقها تمسک نموده است (الطباطبائی، ج ۹، ص ۱۲۰ و ۱۲۱).

مفتاح‌الکرامه به استدلال شهید ثانی جواب داده است: شرط مدت در مورد ثمن و مثن در ضمن عقد مانند جزء عقد است، و حکم صحت و فساد بر تمامی اجزاء قرارداد مترتب می‌شود. پس اگر مدت در ضمن عقد شرط شود حقیقتاً می‌توان گفت بیع دین به دین تحقق پیدا کرده است (حسینی عاملی، ج ۱۱، ص ۵۰). بعد از آن، اجماعی را که در سلف به آن اشاره شد مطرح نموده است. ممکن است بگوییم: بین معامله سلف که ثمن در مجلس عقد قبض نمی‌شود و مؤجل بالعقد در برابر مؤجل بالعقد تفاوت وجود دارد: در مورد اول بنای متعاملین بر قبض ثمن است و لذا شرط صحت آن عمل به این ارتکاز است و باید ثمن در مجلس عقد قبض شود، اما در مورد دوم مبنای معامله بر تاخیر ثمن و مثن است و حکم به عدم صحت نیازمند دلیل معتبر است. درخصوص مسئله مورد بررسی هم اجماع صریحی نداریم. بنابراین فقط می‌ماند روایت نهی از بیع دین به دین و نهی از بیع کالی به کالی. در مورد نهی از بیع کالی به کالی بعداً سخن خواهیم گفت.

نظرات مربوط به شمول بیع دین به دین نسبت به مورد بحث ملاحظه شد و استدلال طرفین ذکر گردید اگر ما باشیم و روایت «لایبایع الدین بالدین»، ظاهر این روایت موردی است که عوضین قبل از معامله دین باشند و حق با شهید ثانی است. شاید قدما قرنیه‌ای بر گفته خود داشته‌اند که به دست ما نرسیده است، اما روشن است چنین امری برای ما حجت نیست.

مقتضای قاعده:

حال اگر به نتیجه نرسیدیم مقتضای قاعده چیست؟

اگر اصل لفظی اولی در معاملات را با تمسک به اوفوا بالعقود و احل الله البیع صحت بدانیم، در این صورت فقط مواردی که دلیل معتبری بر بطلان داریم از تحت این عموماًت خارج می‌شود و بقیه موارد تحت عام باقی می‌ماند. در مواردی که دو دلیل داریم: یکی عام و دیگری خاص و دلیل خاص اجمال مفهومی دارد (مراد دلیل خاص منفصل است نه متصل) و امر خاص بین اقل و اکثر مردّد است، عام فقط نسبت به قدر متیقن که اقل است، تخصیص می‌خورد و در مورد مازاد آن به عام تمسک می‌کنیم، زیرا یقین به دخول آن تحت خاص نداریم تا از عام خارج شود، بنابر این ظهور عام در مورد مازاد بدون معارض باقی می‌ماند و حجّت است. در این صورت اصالة العموم در مازاد جاری می‌شود (النائینی، ج ۲ - ۱، ص ۵۲۳ و: المحقق الخوئی، ج ۵، ص ۱۸۰).

به بیان دیگر؛ دلیل خاص در مواردی که مجمل است حجت نیست، بنابراین از عامی که حجت است نمی‌توان بسبب آنچه حجت نیست دست برداشت (الخیمینی، ج ۱، ص ۴۷۲ و: السبحانی، ج ۲، ص ۴۷۶). با پذیرش این مبنا، یقین داریم که «لایباع الدین بالدین» که مخصص «احل الله البیع» است، شامل مؤجل قبل العقد می‌شود، اما شک داریم که شامل مؤجل بالعقد نیز می‌شود یا نه؟ در این صورت با تمسک به احل الله البیع معامله را صحیح می‌دانیم.

در زمان اخیر نیز برخی این نوع بیع را بلاشکال دانسته‌اند. مثلاً: میرزای قمی فرموده: «قسم دوم (از اقسام چهارگانه بیع) بیع کالی به کالی است. پس آن باطل است بلاخلاف لکن اشکال در معنای آن است. و آنچه از لفظ حدیث لایباع الدین بالدین به ذهن متبادر می‌شود این است که ثمن و مثن هر دو در حال بیع دین باشند، نه این که سبب بیع دین شوند (القمی، جلد ۲، ص ۸۳).

آیت الله سید محسن خرازی فرموده: حدیث رسول (ص) «لایباع الدین بالدین» شامل آنچه سبب عقد دین شده است، نمی‌شود؛ چون ظهور در دین قبل از معامله دارد (حائری، ۱۳۷۸، ص ۷۲). آیت الله شاهرودی نیز همین نظر را ابراز کرده است (شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). آیت الله محمد اسحاق فیاض نیز در زمره این گروه است (فیاض، ص ۲۶۱ و ۱۹۷).

### بررسی ادله قائلین به بطلان

مهم‌ترین دلایل کسانی که بیع دین مؤجل بالعقد در برابر مؤجل بالعقد را باطل دانسته‌اند سه دلیل بود: اجماع، روایت نهی پیامبر اکرم (ص) از بیع دین به دین، روایت نهی حضرت از بیع کالی به کالی. در اینجا دو دلیل اخیراً بررسی می‌کنیم و چون اجماع مورد نظر در باب سلف بیان شده است و مؤجل بالعقد در برابر مؤجل بالعقد را از مصادیق آن دانسته‌اند، مباحث مورد نظر در مورد اجماع را به آنجا واگذار می‌کنیم.

### دسته دوم: نوع سوم تا هفتم:

در نوع سوم تا هفتم یک طرف عقد حالی بالفعل یا بالعقد و طرف دیگر مؤجل بالفعل یا بالعقد است. به عبارتی یک طرف کلی حالی و طرف دیگر کلی مؤجل است. لذا از آنجایی که یک طرف معامله ثمن یا

کالای موجود به عنوان حالی بالفعل وجود دارد، شبیه و نزدیک به حالت بیع یک طرف نقد و یک طرف دین می باشد.

بنابراین شاید بتوان از این حیث که حداقل یک طرف معامله دین مؤجل حقیقی وجود ندارد و به محل معاملات یک طرف دین نزدیک تر دانست و از محل بحث دین (مؤجل) به دین (مؤجل) خارج نمود. در این حالات حتی با فرض وجود سند صحیح و دلالت‌های مستقیم روایات به سبب خروج یکی از عوضین از محل دین حقیقی شاید از محل بحث حرمت کالی به کالی خارج نمود (النجفی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۳۴۷ و الصدر، ۱۴۰۰: ج ۲، ص ۱۸۹).

### دسته سوم: نوع هشتم تا دهم

نوع هشتم تا دهم شبیه و نزدیک به حالت بیع نقدی می باشد و شاید بتوان آن را از محل بحث خارج دانست. البته شاید اشکال شود که در بیع نقدی ثمن و مثن هر دو نقد هستند اما در این حالت دین هستند؟ در پاسخ باید گفت: این اشکال به سبب حالی بودن ثمن و مثن بالعقد و در الذمه سابق نبودن آن که لاحق به عقد می باشد رفع می شود.

همانطور که در نوع سوم تا هفتم، صدق بیع کالی به کالی مورد اشکال واقع شد، در این حالات نیز به طریق اولی به سبب خروج طرفین و عوضین از محل دین مؤجل حقیقی حتی با فرض وجود سند صحیح و دلالت‌های مستقیم روایات و اجماع اشکال به قوت بیشتری باقی می ماند (الموسوی السبزواری، ۱۴۰۷: ج ۱۷، ص ۲۶۲؛ الموسوی الخوئی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۷۳).

### نتیجه گیری:

جمع بندی باتوجه به آنچه در متن مقاله گذشت در قالب موارد ذیل ارائه می گردد.

**اشکال درسند روایت بیع کالی به کالی.** در باره سند روایت «نهی النبی<sup>(ص)</sup> عن بیع الکالی بالکالی» که اهل سنت نقل کرده اند می توان چنین طرح اشکال نمود که روایت کالی به کالی از طریق شیعه ثابت نیست و فقط از طریق اهل سنت وارد شده است.

**طرح اشکال در مفهوم کالی به کالی.** اشکال دیگر در مفهوم کالی به کالی است که احتمال دارد کالی به معنای دین باشد<sup>۱۹</sup> اما آن چه به طور مسلّم مشمول بیع دین به دین می شود، موردی است که ثمن و مثن قبل از معامله به صورت دین باشند (چه هر دو دین حال باشند یا مؤجل و یا یکی مؤجل و دیگری حال)، و اگر ثمن و مثن هر دو به سبب معامله به صورت دین مدت دار در آینده باشد، که مشهور فقیهان، آن را باطل می دانند؛ ولی درصحت معامله اگر ثمن و مثن به صورت دین حال باشند مشکلی نیست (النجفی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۳۴۷ و الموسوی السبزواری، ۱۴۰۷: ج ۱۷، ص ۲۶۲ و ج ۲۱، ص ۱۹، ج ۱۸، ص ۳۰ و ۳۱).

<sup>۱۹</sup>. با استفاده از مفاد حدیث «لایباع الدین بالدین». رک: اقرب الموارد و منتهی الارب: ماده کالی.



همانطور که در جدول ذیل آمده است تنها در مورد دسته اول با فرض رفع اشکال سندی، دلیلی بر بطلان داریم؛ اما در دسته دوم اختلاف است و درست بودن دسته سوم که از نوع حالی کلی باشد، مورد قبول فقها است.

نوع بیع دین به دین		حکم
دسته اول:	دو طرف دین (مؤجل بالعقد یا مؤجل بالفعل)	بنا بر نقل اجماع بر بطلان است.
دسته دوم:	یک طرف دین (مؤجل) - طرف دیگر دین (شبه دین)	بین فقیهان اختلاف وجود دارد.
دسته سوم:	دو طرف شبه دین (حال بالعقد یا حال بالفعل = کلی حال)	صحیح

لذا به ناچار در چنین مساله ای باید یکی از حالات ذیل را بپذیریم:

الف) قائل به تفصیل در مسئله بیع کالی به کالی شویم و حرمت آن را تنها در دسته اول بدانیم  
 ب) دو نوع دیگر و حداقل نوع سوم را از تحت عنوان بیع کالی به کالی خارج نماییم.

همسویی با حکمت و مقتضای بیع دین به دین. آنچه از بررسی انواع عقد دین به دین و فضای بحث بدست می آید به شرح ذیل است.

#### گروه اول: عقود باطل

عقودی که در آن دو طرف دین به صورت مؤجل و غیرحالیه لاحق به عقد باشد که قطعاً باطل و حرمت آور است؛ زیرا چنین تعهد تسلیم یا پرداخت در آینده ای که به وسیله بیع ایجاد شده باشد، بطور قطع از مصادیق حرمت روایی است. هم چنین بیع مؤجل غیر حالیه بالفعل را مشهور فقها قائل به حرمت آن هستند.

#### گروه دوم: عقود محل اختلاف

آنجا که یک طرف بیع حال باشد و طرف دیگر مؤجل مانند حالتی که فقط طلب سابق (نه کالا) باشد و در برابر ثمن مدت داری مورد معامله قرار گیرد، در این حالت محل اختلاف است؛ زیرا در این حالت دین بالفعل از نوع طلب مدت دار سابق در مقابل دین مدت دار جدیدی قرار می گیرد که باز هم شرایطی شبیه به حالت قبل را ایجاد می نماید. لذا بین فقها اختلاف نظر شده است.

#### گروه سوم: عقود صحیح

این حالتی است که طرف بیع معجل به کالای حقیقی متصف باشد (کلی حال) و طرف دیگر مؤجل باشد. زیرا در این حالت:

اولاً؛ منشاء بیع، طلب نیست. به عبارتی بیع بر روی طلب سابق قرار نمی گیرد و ملحق نمی شود. مالیت فرض کردن طلب در عقد بیع مؤجل صحیح نیست.

ثانیاً؛ در این حالت بیع روی کالای حقیقی موجود (کلی حال) قرار می‌گیرد.

ثالثاً؛ این حالت شبیه حالتی است که یک طرف کالا و طرف دیگر دین به تعهد تسلیم ثمن است. لذا این حالت معادل حالت بیع نسبه یا سلف می‌باشد.

لذا شاید بتوان نتیجه گرفت که:

بطور کلی بیع دین به دین یا باطل است یا محل اختلاف است. جز محلی که موضوعاً یکی از طرفهای بیع از محل دین حقیقی (دین مؤجل) خارج شده باشد و در زمره کلی حال قرار گیرد. در این حالت یک طرف بیع کالای حقیقی موجود و طرف دیگر ثمن مدت دار که شبیه بیع سلف یا نسبه خواهد بود.

با بررسی فلسفه بیع و شرایط و اصول کلی حاکم بر بیع در می‌یابیم که هرگاه معاملات وارد فضای غرری، شبه قماری، ربوی یا غیر عن تراض شده اند، موجبات تحریم ایجاد شده است. یا به عبارتی معاملات، هرچه به سمت و سوی عدالت اقتصادی و اجتماعی چه بصورت فردی و چه بصورت اجتماعی حرکت کنند، با مقتضای عقد سنخیت بیشتری داشته و موجبات صحیح بودن آن پررنگ‌تر می‌شود.

بر این اساس حکمت و فلسفه قراردادهای آتی کاهش غرر و نا اطمینانی (ریسک و شبه قمار) بودن آن است تا طرفین در فضای امنیت بیشتری فعالیت اقتصادی نمایند و موجبات رشد سرمایه‌های خود را ایجاد نمایند. این مطلب با فرض رعایت سایر شروط و مقتضیات عمومی عقود می‌تواند درست باشد.

البته لازم به ذکر است که در بازار مشتقات قراردادها یا پیمان‌های آتی اگر بر روی کالای موجود بسته شود درست و در غیر این صورت در قالب این عقد و بیع قرار نمی‌گیرد. از آنجایی که ماهیت پیمان‌ها و قراردادهای آتی این است که بر روی کالاهایی که در آینده تولید می‌شود (مانند نفتی که سال آتی استخراج خواهد شد را به قیمت مشخصی می‌فروشند) را نمی‌توان در این نوع عقد (دین به دین) قرار داد. البته شاید بتوان از عقود ترکیبی دیگر استفاده نمود به شرط آنکه با مقتضای اصلی عقود منافاتی نداشته باشد.

لذا بر اساس آنچه ذکر شد می‌توان به این نتیجه دست یافت که؛ امکان طرح اشکال سندیت و امکان طرح اشکال مفهومی بر حرمت بیع کالی به کالی وجود دارد. که بر اساس نظریه همسویی کلی مقتضیات و اصول عقود اسلامی با قراردادهای آتی شاید بتوان گفت:

قراردادهای آتی (Future و Forward) بر اساس بیع کالی به کالی که حداقل از نوع سوم آن است

صحیح و قابل اجرا می‌باشد.<sup>۲۰</sup>

<sup>۲۰</sup> لازم به ذکر است که این تحقیق است که بنده با مقتضای علم و تحقیق ناچیز خود به آن رسیده‌ام و قطعاً محل بحث و چالشی برای فضلا و محققین حوزه و دانشگاه و مراجع عظام است. که امید است با راهنمایی‌های خود نظرات بنده را اصلاح و بحث را کامل‌تر نمایند.

## فهرست منابع:

### ❖ القرآن الکریم

۱. ابن ادريس، ابى جعفر محمد بن منصور بن احمد: كتاب السرائر، مؤسسة الاسلامى، قم، بى تا.
۲. ابن براج الطرابلسى، عبدالعزيز: المهذب، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن براج الطرابلسى، عبدالعزيز: المهذب، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن منظور، لسان العرب المحيط، بيروت، دار لسان العرب، دار الجليل، ۱۴۰۸ هـ، ۱۹۸۸ م
۵. الاستاد السبحانى، جعفر، المحصول فى علم الاصول، مؤسسة الامام الصادق (ع)، قم، المجلد الثانى، ۱۴۱۹
۶. الاصفهاني، الشيخ محمد حسين، حاشية كتاب المكاسب، تحقيق الشيخ عباس محمد آل سباع، قم، دارالمصطفى لاحياء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸.
۷. الفياض، الشيخ محمد إسحاق، أحكام البنوك والأسهم والسندات والأسواق المالية (البورصة، المطبعة: أمير، قم.
۸. الامام مالك بن انس (م ۱۷۹)، كتاب الموطأ، بيروت، دارالفكر، الطبعة الثالثة ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م
۹. الامام مجد الدين ابن السعادت المبارك بن محمد الجزرى، ابن الاثير، النهاية فى غريب الحديث و الاثر، بيروت، لبنان، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۵ هـ ۱۹۹۵ م
۱۰. انصارى، مرتضى، المكاسب، المجمع الفكر الاسلامى، چ دهم، قم، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. البحرانى، يوسف، الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الاسلامى، الجزء العشرون قم، بى تا.
۱۲. تمیمی مغربى، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقيق آصف بن على اصغر، دارالمعارف، بيروت / ۱۳۸۳ ق.
۱۳. ثابت، سيد عبد الحميد، موضوع شناسى بيع دين، مجلة فقه اهل بيت عليهم السلام شماره ۳۱، پائيز ۸۱.
۱۴. جعفرى لنگرودى، محمد جعفر، ترمينولوژى حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. الجوهري اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق احمد عبدالغفور عطّار، دارالعلم للملايين، لبنان، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۶. حائرى، سيد كاظم، بررسى اوراق نقدى، مجلة فقه اهل البيت (ع)، العدد ۱۸، سال پنجم، پاييز و زمستان ۱۳۷۸.
۱۷. الحسينى العاملى، السيد محمد جواد، مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة، بيروت، دارالتراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ هـ، ۱۹۹۸ م
۱۸. الحسينى العاملى، السيد محمد جواد، مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ ق
۱۹. حسينى چالشتري، سيد محسن، امكان سنجى طراحى قراردادهاى آتى در نظام مالى اسلام، رساله كارشناسى ارشد دانشگاه امام صادق (ع)
۲۰. خويى، سيد ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، مؤسسة نشر الفقاهة، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷ ش
۲۱. السيد السيستانى، على الحسينى، منهاج الصالحين، المجلد ۲، مكتب آية الله العظمى السيد على السيستانى، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ هـ. ق، المطبعة ستاره، قم
۲۲. السيوطى جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، الدر المنثور فى التفسير المأثور، الطبعة الاولى، دارالفكر، بيروت ۱۴۱۴ هـ. ق.
۲۳. الشهيد الثانى، زين الدين بن على العاملى، مسالك الافهام الى تقيح شرايع اسلام مؤسسة المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ. ق، قم الجزء الثالث
۲۴. الشيخ شمس الدين محمد بن مكى العاملى، الدروس الشرعية فى فقه الإمامية، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، الطبعة

٢٥. صالح آبادی، علی، بازارهای مالی اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ١٣٨٥.
٢٦. صالح آبادی، علی، امکان سنجی راه اندازی بازار آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تاکید بر مسائل شرعی و نیازمندیهای بازار سرمایه)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت (گرایش مالی) دانشگاه امام صادق(ع) تابستان ١٣٨١
٢٧. الطباطبائی، السید علی، ریاض المسائل، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، ١٤١٩.
٢٨. الطباطبائی، السید علی، ریاض المسائل، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، ١٤١٩.
٢٩. الطبرسی، الشیخ ابوعلی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الاولى ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٣٠. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط المکتبه المرتضویة لاحیاء التراث الجعفریة، تهران، بی تا.
٣١. العاملی محمد بن الحسن الحرّ، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، لإحياء التراث، بیروت / ١٤١٣
٣٢. العاملی، شمس الدین محمد بن مکی (الشهید الأول)، الدروس الشرعیة، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، قم: ١٤١٤ هـ.
٣٣. العلامة الحلّی، الحسن بن یوسف بن المطهر، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث
٣٤. العلامة النراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ١٤١٨ قمری
٣٥. علامه حلّی، نهاییه الاحکام، دارالاضواء، بیروت.
٣٦. العلامة حلّی حسن بن یوسف، حسینی عاملی محمد جواد بن محمد مفتاح الکرامه فی شرح قواعد؛ مؤسسه فقه الشیعه، ١٤١٧ ق.
٣٧. الکرکی، الشیخ علی بن الحسین، جامع المقاصد، فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ١٤٢٠ ق
٣٨. الگلپایگانی، سید محمد رضا، هداية العباد، المجلد الثاني، دارالقران الکریم، قم، جمادی الثاني، ١٤١٧
٣٩. مجلة فقه اهل البيت علیهم السلام، العدد ١١-١٢، ص ٢٧١ مقالة الشیخ حسن الجواهری
٤٠. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٤٠٣ هـ.
٤١. المحقق الأردبیلی، المولی أحمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الأولى، ١٤١١ هـ. ق.
٤٢. المحقق الخوئی، السید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، قم، مؤسسه نشر الفقاهة الطبعة الاولى، محرم ١٤١٩ (١٣٧٧ش)،
٤٣. محقق داماد سید مصطفی و همکاران، حقوق قراردادها در فقه امامیه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٨٩.
٤٤. محقق قمی، میرزا ابو القاسم، جامع الشتات، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول، ١٣٧١
٤٥. مروارید، علی أصغر، سلسلة الینایع الفقهیة، بیروت دار التراث = الدار الاسلامیة الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ. ١٩٩٠ م.
٤٦. موسویان، سید عباس، بانکداری اسلامی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ چهارم، ١٣٨٣
٤٧. موسویان، سید عباس، احکام فقهی اوراق بهادار، رساله سطح چهارم حوزه
٤٨. مؤمن، محمد، جایگاه اوراق مشارکت در نظام اقتصادی اسلامی، مجله معرفت، شماره ٢٨، سال ١٣٧٨.
٤٩. النائینی، المکاسب والبیع، تقریرات مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی تا.

۵۰. النائینی، الشیخ محمد حسین، فوائد الاصول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، الطبع الاولی، الجزء الثالث، ذیحجه الحرام ۱۴۰۴

۵۱. النجاشی، الشیخ ابوالعباس أحمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق

۵۲. النجفی الخوانساری موسی بن محمد، منیه الطالب فی شرح المکاسب، تقریر: المحقق المیرزا محمد حسین النائینی ( قدس سره)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین

۵۳. النجفی، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.

۵۴. النراقی، المحقق المولی احمد، عوائد الأيام، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.

۵۵. النوری، الحاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

۵۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، مجله فقه اهل البيت (علیهم السلام)، شماره ۲۰- ۱۹.

۵۷. یزدی سید محمد کاظم، سؤال وجواب، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.

بررسی رابطه علی میان حجم پول در گردش، سرعت گردش پول، نرخ سود تسهیلات بانکی با تورم

